

نامزدهای حزب توده ایران

در مجلس خبرگان چه کسانی هستند و از چه

بر نامه‌ای دفاع میکنند

در صفحات بعد:

قرارداد ۲ جانبه
نظامی با آمریکا،
نقض خشن استقلال
ایران است

صفحه ۳ - ستون پنجم

نقش عامل جغرافیائی در
تکامل جامعه ایران
از احسان طبری

صفحه ۳ - ستون اول

ایالات متحده آمریکا
راهزن بین‌المللی

صفحه ۴ - ستون سوم

مردم

ازگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره: ۸ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۶
دوشنبه ۸ مردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

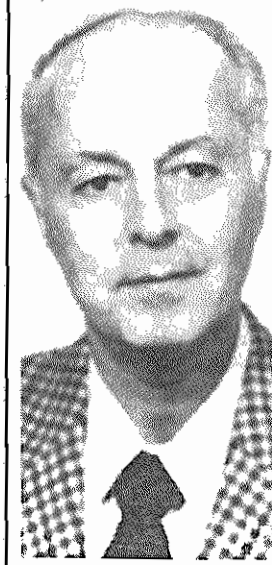
هموطنان!
از نامزدهای
حزب توده ایران
برای
مجلس خبرگان
پشتیبانی کنید

نامزدهای حزب
توده ایران برای
مجلس خبرگان

رفقا! احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی و آصف رزم‌دیده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران از صدای جمهوری اسلامی ایران، از جانب حزب توده ایران بامردم ایران سخن گفتند

بقیه در صفحه ۴

رفیق
احسان
طبری



نامزد نمایندگی
حزب توده ایران برای
مجلس خبرگان از
تهران، روز چهارشنبه
دهم مردادماه ۱۳۵۸،
ساعت ۶/۵ بعد از ظهر،
در زمین چمن دانشگاه
تهران درباره سیاست
حزب توده ایران سخن
میگوید.

هموطنان، رفقای حزبی،
دوستان، میهن پرستان،
آزادبخوانان!

● به پیشبرد امر انتخاب نامزدهای حزب
توده ایران برای مجلس خبرگان کمک کنید!
● کمک شما نه فقط در زمینه شناساندن سیاست حزب
توده ایران و نامزدهای آن برای مجلس خبرگان
لازم و مؤثر است، بلکه کمک مالی شما نیز میتواند
کارزار انتخاباتی ما را تسهیل کند.
● کمک معنوی و مادی به حزب توده
ایران در کارزار انتخاباتی برای مجلس خبرگان
یک وظیفه انقلابی است

کمیته مرکزی
حزب توده ایران

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

همانطور که کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه مورخ اول مردادماه ۱۳۵۸ خود درباره کارزار انتخاباتی برای تشکیل مجلس بررسی نهائی پیش‌نویس قانون اساسی (مجلس خبرگان) متذکر شده است، حزب توده ایران علاوه بر فعالیت برای انتخاب نامزدهای معرفی شده از جانب حزب، به نامزدهای دیگری هم که بر اساس سوابق مبارزاتشان، میتوان به این نتیجه رسید که به پیش‌نویس قانون اساسی از دیدگاه ارتجاعی برخورد نخواهند کرد، رأی خواهد داد. پشتیبانی حزب ما از نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی و همچنین شخصیت‌های جداگانه سیاسی، بار دیگر مظهر تلاش مشخص ما برای وحدت عمل نیروهای مترقی و انقلابی، در راه ایجاد یک نظام خلقی و آزاد در کشور ما و تبدیل دوران گذار و لاجرم آشفته کنونی، به یک نظام متمرکز و تثبیت شده، بسود اکثریت قریب به تمام مردم ایران است. اینک اسامی نامزدهای سازمانها و گروههای سیاسی و همچنین شخصیت‌های جداگانه سیاسی، که حزب توده ایران به آنها رأی خواهد داد، به اطلاع هموطنان و همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب میرسد. در صورت لزوم نامزدهای دیگری نیز بر همین اساس معرفی خواهند شد.

تهران

آیت‌الله العظمی طالقانی

منصور بازرگان

ابوالحسن بنی‌صدر

گیلان

محمود رجوی

محمود اعتمادزاده (به آذین)

کرمان

سمنان

دکتر جواد باهنر

دکتر احمد دانش

حجت‌الاسلام محمد جواد

اصفهان

حجتی

آیت‌الله سید جلال‌الدین

فارس

طاهری

دکتر حمیداله پیمان

دکتر حسین آیت

آذربایجان

کمیته مرکزی

حزب توده ایران

حاج سید محمد علی انکجی

۱۳۵۸/۵/۷

احمد حنیف نژاد

- رفیق نورالدین کیانوری - دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق احسان طبری - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق انوشیروان ابراهیمی - عضو هیات سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
- رفیق حسین جودت - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از آذربایجان
- رفیق علی خاوری خراسانی - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از خراسان
- رفیق محمدعلی عمولی - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق عباس حجری بجنستانی - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق رضا شلتوکی - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از کرمانشاه
- رفیق ابوتراب باقرزاده - عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران - از مازندران
- رفیق آصف رزم‌دیده - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق صابر محمدزاده - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق مریم فرمانفرمائیان (فیروز) - عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران - از تهران
- رفیق علی لامعی - مسئول سازمان حزب توده ایران در شهرستان بهشهر - از مازندران
- رفیق غلامرضا روحانی شهرکی - از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان - از اصفهان
- رفیق حسین آذری - از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در اصفهان - از اصفهان
- رفیق علی اکبر مایل‌زاده - از مسئولین سازمان ایالتی حزب توده ایران در خوزستان - از خوزستان

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

مسلمانان در جامعه سوسیالیستی اتحاد شوروی

تا قبل از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، خلقهای ازبک، قزاق، قره‌قز، تاجیک، ترکمن، آذربایجان، تاتار و باشکیر، که عموماً مسلمان و معتقد به مذهب اسلامند، علاوه بر اینکه مانند دیگر زحمتکشان سراسر کشور پهناور روسیه، در معرض ظلم و ستم اجتماعی و ملی بودند، در مورد آنان تبعیض‌های مذهبی نیز اعمال میگردید. تا انقلاب سوسیالیستی اکتبر، کلیسای ارتدکس بخشی از دستگاه دولتی روسیه تزاری را تشکیل میداد. طبق قانون اساسی آن دوره، رهبری کلیساها در اختیار تزار بود و بدین ترتیب تنها کلیسای ارتدکس از آزادی برخوردار بود. در حالیکه بسیاری از خلقهای ساکن روسیه پیرو مذهب اسلام بودند، مسلمانان، مسجد و روحانیت اسلامی در معرض تبعیض و تحقیر قرار می گرفتند. دولت اعتبارات هنگفتی در اختیار کلیسای ارتدکس قرار میداد و تبلیغات مذهبی تنها در انحصار این کلیسا بود. راه رسیدن به مشاغل و پستهای مهم دولتی تنها برای پیروان کلیسای ارتدکس باز بود و نظام آموزشی کشور، که بر مبنای کلیسای ارتدکس پایه گذاری شده بود، اکثریت قریب به اتفاق فرزندان مسلمانان را از تحصیل محروم میکرد.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر همه این نابرابریها و تبعیضها، در همان نخستین روزهای پس از انقلاب، از جانب دولت شوروی ملتی اعلام گردید. در بیستم ژانویه سال ۱۹۱۷، دولت شوروی، که لنین بزرگ آنرا رهبری میکرد، اعلامیه‌ای خطاب به تمام زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق صادر نمود. در این اعلامیه تاکید شده بود که از این پس ادیان و آداب و رسوم مذهبی و ملی، معابد و تاسیسات مذهبی و ملی از برابری حقوق و آزادی کامل برخوردارند و معصون از هر گونه تعرض و تجاوز اعلام میشوند.

فرمان تاریخی دیگر رهبر انقلاب، که در ۲۳ ژانویه سال ۱۹۱۸ انتشار یافت، جدائی کلیسا از دولت و مدرسه از کلیسا را اعلام داشت. بموجب این فرمان، تمام تبعیضها و برتریهای مذهبی لغو گردید، یعنی مذهب اسلام برابر با دیگر مذاهب برای شهروندان نواحی آسیای میانه و مسلمانان نشین اتحاد شوروی برسمیت شناخته شد.

اعلام جدائی مدرسه از کلیسا، برابری کامل حقوق پیروان ادیان مختلف و از جمله پیروان مذهب اسلام را در زمینه آموزش تأمین نمود. بدین ترتیب پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، ضمن برانداختن همه نهادهای اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر استثمار و استعمار و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی و ملی، به تبعیضهای مذهبی پایان بخشید و حقوق برابر همه پیروان ادیان مختلف از جمله مسلمانان را در تمام شئون زندگی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و معتقدات مذهبی تأمین نمود. این برابری حقوق و آزادی معتقدات مذهبی در قانون اساسی اتحاد شوروی تضمین شده است.

ثمرات این برابری حقوق و آزادیها را در مورد مسلمانان شوروی آشکارا میتوان مشاهده نمود. بسیاری از رجال فرهنگی و علمی و کارشناسان برجسته جمهوریهای آسیای میانه اتحاد شوروی از مسلمانان معتقدی هستند که ضمن انجام وظایف اجتماعی و دولتی، در انجام فرایض دینی و فعالیت‌های مذهبی خود، کوشا هستند. به عنوان نمونه ایلیاس فاضل‌اف، یکی از پژوهشگران سرشناس ازبکستان شوروی است، که مولف آثار علمی فسرآوانی در رشته بیماریهای کودکان است. نامبرده، که مسلمان مومن و معتقدی است، به مطالعه کتب مذهبی و تاریخ اسلام علاقه وافر دارد و علاوه بر حضور در مساجد و انجام فرایض دینی، در مجالس و عظ و میباحثات روحانیون اسلامی شرکت میکند. این پزشک مسلمان، در سال ۱۹۶۸، همراه با گروه زائران شوروی به زیارت مکه معظمه مشرف شد. در جمهوریهای آسیای میانه اتحاد شوروی عده کثیری از دانشمندان، پزشکان، مهندسان، کارمندان و کارگران، مسلمان مومنی هستند که در مجامع مذهبی و مجالس و کنفرانسهای روحانی اسلامی شرکت می کنند. مجامع و محافل روحانی اسلامی جمهوریهای آسیای میانه اتحاد شوروی و دوائر روحانی اسلامی این جمهوریها، در تمام امور اجتماعی و سیاسی جامعه سوسیالیستی کشور خود فعالانه شرکت میکنند و با مجامع و انجمنهای اسلامی کشورهای دیگر ارتباط و همکاری دارند.

چندی پیش کنفرانس مسلمانان در تاشکند، پایتخت ازبکستان شوروی، برگزار گردید. در این کنفرانس، که به مناسبت دهمین سالروز انتشار مجله «مسلمانان خاور شوروی» تشکیل شده بود، علاوه بر نمایندگان مجامع اسلامی کشور، هیئت‌های نمایندگی بسیاری از کشورهای اسلامی آسیا و آفریقا و مجامع اسلامی اروپا شرکت نمودند.

مجله «مسلمانان خاور شوروی» از جانب دایره روحانیت مسلمانان آسیای میانه و کارخانستان هر سه ماه یکبار منتشر میشود. موضوعاتی که در این مجله انتشار مییابد، بسیار متنوع و وسیع‌اند. اغلب مقالات و گزارشهای منتشره در این مجله در سبب فعالیت مجامع مسلمان و مسلمانان اتحاد شوروی و نیز مسائل علمی از قبیل «اسلام و دنیای معاصر» و «اسلام و تساوی حقوق خلقها»، مقام مسجد در جامعه» و دیگر موضوعات است.

شیخ الاسلام ضیاءالدین ابن ایشان با باخان، صدر دایره روحانی مسلمانان آسیای میانه و کارخانستان، طی سخنرانی خود هنگام گشایش کنفرانس اظهار داشت:

«مسلمانان شوروی از مواهب پیشرفتهای اقتصادی و فرهنگی و مادی جامعه سوسیالیستی بطور کامل برخوردارند. مسلمانان کشور

متن سخنرانی رفیق احسان طبری از صدای جمهوری اسلامی ایران

روزیکشنبه ۷ مرداد ماه ۱۳۵۸، ساعت ۳ بعد از ظهر، رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی و رفیق آصف رزم‌دیده عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت انتخابات مجلس خبرگان

و تمامیت ارضی ایران، در جهت آزادیها و حقوق دموکراتیک، در جهت تأمین حقوق حقه خلقهای ایران در تعیین سرنوشت خود، در جهت تأمین برابری کامل حقوق زنان و مردان ایران، در جهت آغاز یک راه رشد اقتصادی، که بسود اکثریت مطلق مردم ایران باشد، در جهت یک سیاست خارجی مستقل و صلح آمیز، که از جنبشهای انقلابی و رهایی بخش جهان حمایت کند، در جهت ایجاد ایرانی برخوردار از امنیت، رفاه و آزادی و آبادی خواهیم کوشید.

نامزدهای حزب ما افراد ناشناس نیستند. برخی از آنها پیش از چهل سال در جاده مبارزه اصولی علیه امپریالیسم و استبداد رزمیده‌اند. برخی از آنها تمام جوانی خود را تا مدت ۲۵ سال در زندانهای رژیم استبدادی بسر آورده‌اند.

زندگی نامزدهای حزب توده ایران نمودار دل‌بستگی آنها به میهن و مردم آن، دل‌بستگی آنها به اصول و فضایل اجتماعی است. کمتر حزبی توانسته است طی سالیان دراز و دشوار افرادی در چنین سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی و آمادگی فداکاری برای مردم پرورش دهد.

ما بر آنیم که اتحاد همه نیروها در یک جهت واحد خلق، با قبول رهبری امام خمینی، که سیاستی ضد استعماری و خلقی را با پیگیری و قاطعیت دنبال میکند، بهترین وسیله مقابله با ضد انقلاب، پیروز ساختن انقلاب در این مرحله دشوار، تنظیم برنامه صحیح نوسازی کشور و رفتن بسوی یک تثبیت نوین است.

سیاست حزب ما نیز سیاست روشنی است. ما در میان روشهای مختلفی که در جامعه وجود دارد، از مشی سیاسی امام خمینی، نه بعلت مصلحتی و فرصت طلبانه، بلکه بر پایه اصولی حمایت میکنیم. رأی ما به جمهوری اسلامی با این امید همراه بوده است که این جمهوری استقلال و رهایی از بندهای نواستعماری امپریالیستی، آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم را تأمین میکند. رأی ما به جمهوری اسلامی برای همگام بودن و هم‌صفت بودن با توده‌های میلیونی زحمتکشان شهر رده بود، که با این شمار موافق بودند.

حزب توده ایران در سیاست امروزی خود خواهان سیاست وحدت همه نیروهاست و دائماً مردم را در مقابل توطئه امپریالیسم، در مقابل توطئه عمال امپریالیسم و رژیم سابق، که به اشکال گوناگون فعالیت میکنند، بر خنجر میدارد.

به همین سبب ما مطمئیم که حضور حزب ما در مجلس خبرگان و کار سازنده نامزدهای مادر این مجلس، بسود انقلاب ما و بسود جامعه ماست.

ما از همه کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، روشنفکران، دانشجویان و دانش‌آموزان، بازرگانان، مهندسان، سرمایه‌داران ملی، یعنی همه آن طبقات و قشرهای اجتماعی که ما به حقوق حقهشان احترام میگذاریم دعوت میکنیم به نامزدهای حزب توده ایران رأی دهند و این حزب را که وجودش مایه قوام استقلال و دموکراسی در ایران است، با رأی خود تقویت کنند.

برادران و خواهران عزیز! به فراخوان حزب ما با پشتیبانی جمعی و نیرومند خود پاسخ دهید!

هموطنان عزیز!

اینجانب احسان طبری، بنام حزب توده ایران، بسیار خرسندم که فرصت یافته‌ام در صدای جمهوری اسلامی با آن برادران و خواهران گرامی سخن گویم.

حزب توده ایران نامزدهای خود را برای نمایندگی در مجلس خبرگان، که وظیفه دارد پیش‌نویس قانون اساسی را تصحیح و تکمیل و تصویب کند، معین کرده است.

ما علاوه بر این نامزدهای هفت‌گانه‌ای که برای تهران معین کرده‌ایم، در تهران به آن نامزدهائی (مانند حضرت آیت‌الله طالقانی)، که نماینده جنبش روحانیت مترقی و مسلمانان انقلابی و عناصر مترقی هستند، نیز رأی خواهیم داد. در شهرستانها نیز همین روش را دنبال خواهیم کرد تا به وحدت نیروها عملاً یاری رسانیم. کاندیداهای ما در تهران عبارتند از: دکتر نورالدین کیانوری، رهبر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، و همچنین محمدعلی عمویی و عباس حجری و اینجانب اعضاء هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران و آصف رزم‌دیده و سایر معتمدان و اعضاء کمیته مرکزی که مبارزاتی از میان طبقه کارگرند و مریم فرمان‌نمایان (فیروز) عضو کمیته مرکزی، که از مبارزان با سابقه در جنبش زنان ایران است.

نامزدهای حزب توده ایران از کوره مبارزات سیاسی طولانی بیرون آمده‌اند. این حزب همیشه در جهت خلقی، در جهت زحمتکشان، در جهت کارگران و دهقانان مبارزه کرده و با دستکاه استبداد و خشنانگ و آدم‌خوار پهلوی مردانه در افتاده است. از میان صغوف این حزب خسرو روزبه‌ها، پرویز حکمت‌چوها، تیزابها، حیدری بیگوندها، قدعلم‌گردند و جان خود را بیدریغ در راه مردم نثار ساختند و به شهیدان پرافتخار حزب ما و جنبش انقلابی مردم ایران بدل شدند.

حزب ما در انقلاب پرافتخار اخیر ایران شرکت موثر داشت و از اولین سازمانهای سیاسی ایران بود که به همراه امام خمینی شعار سرنگونی رژیم چهار محمدرضا شاه و استقرار نظام جمهوری را مطرح ساخت و به جمهوری اسلامی رأی داد.

نامزدهای حزب ما در صورت انتخاب شدن در مجلس خبرگان، بپانگهان صدیق منافع طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و مدافع اصول مترقی پیش‌نویس قانون اساسی خواهند بود. ما در مجلس خبرگان برای تکمیل این پیش‌نویس در جهت تأمین استقلال

ما در معتقدات مذهبی و انجام فرایض دینی خود کاملاً آزادند. «شیخ الاسلام، ضمن ابراز تشکر از اینکه به عضویت شورای جهانی مساجد انتخاب شده، اظهار داشت:

«من این انتخاب را بمثابة قدر دانی جهان اسلام از سهمی که مسلمانان شوروی در بسط و گسترش اندیشه‌های مترقی اسلام و در تحکیم روابط دوستی و همکاری میان مسلمانان جهان دارند، تلقی میکنم.» شیخ الاسلام ضیاءالدین خاطر نشان نمود که: «روابط مسلمانان شوروی با برادران همدین خود در سایر کشورهای اسلام در حال بسط و استحکام است.»

دایره روحانی مسلمانان آسیای میانه و کارخانستان با انجمنها و سازمانهای اسلامی متجاوز از ۷۰ کشور جهان ارتباط نزدیک دارند.

شیخ عبدالفتی عبدالله سردبیر مجله «مسلمانان خاور شوروی» طی گزارش خود در کنفرانس خاطر نشان نمود که:

«انتشار این مجله به توده‌های وسیع مسلمانان در درک صحیح ارزشهای معنوی اسلام و نقش مثبت مسلمانان در زمینه سازندگی جامعه سوسیالیستی در اتحاد شوروی کمک میکند.» سخنران گفت:

«تألیف اسلام در باره برابری انسانها و عدالت اجتماعی، تمام و کمال در شیوه زندگی جامعه شوروی تحقق یافته و افراد متعلق به ملیتها و معتقدات مذهبی گوناگون، در این جامعه از حقوق یکسان برخوردارند. مجله «مسلمانان خاور شوروی» سال بسال خوانندگان بیشتری را جلب میکند. طی دهسالی که از انتشار این مجله میگذرد، تیراژ آن چهار برابر شده و متجاوز از پانصد نفر مشترک خارجی دارد.»

نمایندگان مجامع اسلامی اردن، عراق، تونس، هندوستان، انجمنی و سایر کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس، ضمن ستایش خود فعالیت این مجله را مثبت و سودمند ارزیابی کردند. ضیاءالدین فاروق، سردبیر مجله هندی «اسلام و دنیای معاصر» که از خوانندگان دائمی مجله «مسلمانان خاور شوروی» است، خاطر نشان نمود که این مجله منبع اطلاعات وسیع و سودمندی درباره زندگی و فعالیت

پیام تسلیمت حزب توده ایران به سازمان آزادیبخش فلسطین بمناسبت شهادت زهیر محسن

برادر هانی الحسن نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین!

تورور خائنانه برادر مبارز، زهیر محسن، شخصیت انقلابی سازمان آزادیبخش فلسطین برای ما موجب نهایت تأسف و تأثر شد.

حزب توده ایران این اقدام نمکین را توطئه‌ای کثیف از جانب امپریالیسم، صهیونیسم و دست‌نشاندهای روسای آنسان علیه جنبش رهایی بخش و انقلابی خلق فلسطین میدانند.

حزب توده ایران با ایمان به پیروزی انقلاب خلق فلسطین به رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین مراتب تسلیمت و همدردی خود را به شما و به وسیله شما به برادر مبارز، یاسر عفات، اعلام میدارد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۱۳۵۸/۵/۷

مسلمانان و محافل روحانی اسلامی اتحاد شوروی است. شرکت کنندگان در کنفرانس موضع اتحاد شوروی را در مورد حل و فصل عادلانه و همه‌جانبه مسئله خاور نزدیک مورد تأیید قرار دادند و یادآور شدند که خلقهای مسلمان عرب از اتحاد شوروی بمناسبت پشتیبانی از مواضع برحق خلقهای عرب و بویژه خلق عرب فلسطین سپاسگزارند.

سخنی

درباره

شناخت

جامعه کشور ما (۲)

نقش عامل جغرافیائی در تکامل جامعه ایران

از: احسان طبری

در گفتار نخستین از این مبحث (یا از این جستار)، ما درباره قوانین عام و خاص تکامل جامعه، درباره سه گانه بررسی جامعه، درباره سیر تکاملی و پیشرونده و اعتلائی جوامع انسانی، درباره بررسی کیفی و کمی جامعه، توضیحات مختصری دادیم.

اینک پس از این بحث مقدماتی، میخواهیم برخی مشخصات تاریخی جامعه ایران را مورد مطالعه قرار دهیم.

وقتی مشخصات و ویژگیهای یک کیفیت عام (مانند جامعه) روشن شود، هویت آن کیفیت عام بنا بر این روشن خواهد شد.

مثلاً حسن رضوی، دبیر سی و دوساله ریاضی دبیرستان فردوسی در

احمدآباد هم، انسان است. ولی در روی زمین چهارمیلیارد والندی انسان زیست میکنند. از اینکه بگوئیم حسن رضوی انسان است که

مطلب زیادی فاش نکرده ایم. هویت این انسان وقتی روشن میشود که مشخصات ویژه او که او را از دیگر انسانها متمایز میسازد، بر ملا

شود. یعنی معلوم شود که او مردی است سی و دوساله و دبیر ریاضیات است و دبیرستان فردوسی شهرک احمدآباد به تدریس اشتغال دارد.

همین ترتیب وقتی بگوئیم «جامعه ایران» یا «جامعه فئودالی» یا «جامعه سرمایه داری ایران»، هنوز مطلب زیادی نگفته ایم. زیرا

در سرزمین هر کشوری اجتماعی از مردم یا جامعه ایست. و هر جامعه ای هم صورت بندیهای (یا فرمهای) فئودالی یا سرمایه داری را

طی میکند. پس باید مرکب تحقیق را جلوتر راند و دید این جامعه ایران دارای چگونه مشخصاتی است که آنرا از جوامع دیگر متمایز

میسازد و هویت خاصش را بر ملا میگرداند.

ما بدون مراعات نظمی از جهت اهمیت و اولویت، این بررسی را انجام نمیدهیم. علت عدم مراعات نظم از جهت اهمیت و

اولویت آنست که، تعیین چنین اهمیت و اولویتهای آسان نیست و هنوز میدان تحقیق در این زمینه فراخ است.

یکی از مشخصات جامعه ما آنست که شکل گیری و تکامل این جامعه شدیداً تحت تأثیر ویژگیهای مهم جغرافیائی کشور قرار داشته

و دارد. البته علم و تکنیک امر روزی طوری است که میتواند بر این ویژگیها غلبه کند و از اهمیت و تأثیر آنها فوق العاده بگذرد. ولی

طی تاریخ، که سطح کنونی علم و فن وجود نداشته، تأثیر مشخصات جغرافیائی زیادتر بوده و در تیلور جامعه ما نقش حساسی را ایفا

کرده است.

کشور ما فلاتی است کوهستانی، کم آب، در بخش مهمی بحالت کویر و نیمه کویر و یکی از گذرگاههای مهم بین خاور زمین و

باختر زمین است.

همین مشخصات کم آبی، کوهستانی بودن، گذرگاه بودن، اثرات دور و درازی بر روی تاریخ جامعه ما گذاشته است. مطلب را

بررسی میکنیم.

۱) در اثر کمی آب، کار کشاورزی، بستن کاری، باغداری، که از هزاران سال پیش در همین ما آغاز شده و حتی در دوران هخامنشی

سطح بسیار جالبی برای یونانیان آن عصر رسیده بود، تا حدودی جنبه زرفنی (انتانسیف) گرفت و زحمتکش ایرانی در رشته پرورش

بندرو پیوند میبوی و ایجاد انواع گوناگون درخت و بوته و گیاه، بجای در خورد توجیه رسید و کار مقایسه ای در مقیاس جهانی این مطلب

را نشان میدهد.

ولی در کنار این تأثیر، تأثیر دیگر کم آبی آن بود که مسئله آبیاری در کشور ما به مسئله حادی بدل شد و ایرانی از استادان

حفر چوینها و کندن آبدها و کارهای (قنوات) است و شبکه مصنوعی آبیاری بر قدرت کدخدایان و ریش سفیدان و سرانجام فرمانداران

و حکمرانان و پادشاهان افزود تا آنجا که مارکسی یکی از علل پیدایش اسپوتیسیم شرقی یا استبداد خشن شرقی را همین سلطه پادشاهان

بر شبکه آبیاری میدانند. البته برای این استبداد باید در کنار این علت، علل دیگری هم جست، ولی این سخن مارکس نشان میدهد

که وی برای نقش عوامل جغرافیائی در تاریخ چه اندازه جا باز

میکرده است.

وجود شبکه ظرفی و زرفنی کشاورزی ما افزوده، یعنی آنرا به سطح فنی بالاتر ارتقاء داده و از سوسنی مایه پیدایش بالای استبداد (اسپوتیسیم) شرقی شده، که از «برکت» آن تا همین سه چهارم پیش

دبهره منده بودیم و سرانجام از سوی دیگر موجب پیدایش شبکه آبیاری مصنوعی و بی آمدن آن (ویرانگری هلاکت بار اقوام مهاجم) گردیده است.

اینها در مورد کم آبی و خصالت نیمه کویری کشور ما. ۲) امادراتی کوهستانی بودن کشور ما نیز مشخصات ویژه ای پدید شد که یکی از آنها بقای ایلات و کوچندگی بین ییلاق و قشلاق (سردگاه و گرمگاه) است همراه با بسط دامداری.

وجود اقتصاد کوچنده شبانی در تضاد با اقتصاد شکننده کاریزی دهقانان، کشور ما را از بلیه تضاد و تضادم دائمی ایلات

از سوسنی و ده نشینان و شهر نشینان از سوی دیگر، انباشته ساخته است. هر گاه در کشور ما مرکزیت یک سلطان مستبد ضعیف شد، بویژه

در ایران پس از اسلام، ما شاهد تضادم دائمی اقوام کوچنده و آرمنده (ساکن) هستیم و این امر در هر مورد که تمرکز فئودالی، بملتی از

علل خورد میشود، دامنه میگیرد.

قدرت ایلیخانان که در زمان ساسانیان و ساسانیان «نام داشتند (واژه ای که خود از ریشه ویس، یعنی قبیله آمده است) از

قدرت مالکان شهر نشین بیشتر بود، لذا به آسانی میتوانستند اراده ویرانگر خود را تحمیل کنند و زندگی خوش و بی آزار شهر نشینان

و ده نشینان را برهم زند و فضا را از دغدغه «عدم امنیت» پارسازند. این عدم امنیت خود از علل مهم جلوگیری از تراکم است،

خواه تراکم مادی (گنجه سازی) و خواه تراکم معنوی (سنت های فنی و سازمانی). عدم امنیت و دشواری تراکم را انگلس از عوامل

بی خوئی بازرگانان و ناآمادگی زمینة بسط سرمایه داری در شرق میسورد.

این تضادم و تقادمی و فقدان تراکم مادی و معنوی، دست در دست نازائی زمین و کم آبی، یکی از انگیزه های آن رکود مدنی

است که ماطی قرنها شاهد آن هستیم و پدیده ای چیستانی و زمانند بنظر میرسد.

دراثر کوهستانی بودن سرزمین ما، شاهد جدائی اقوام از هم، بقای زبانها و نیمه زبانها (لهجات) و دشواری ارتباط

هستیم. نه جاده های طبیعی و نه رودخانه پر آب، بخشهای مختلف ایران را بهم نمی پیوندند تا بازار یکا نه ای زود پدید شود و فرهنگ

های مختلف بهتر در آمیزد و زبانهای محلی با هم بهتر جوش بخورد و «قوام ملی» تسریع گردد. بازروری عبوس و غمگین کوههای سربلک

کشیده، جاده های بزرگ، جویها و رودخانه های خشکیده، هیچکدام تشویقی برای این در آمیزی نبود و تنها سیطره یک سلطان

خشن یا ایلیخان هرولمخیز یک قوم مهاجم، برای مدتی این سرزمین از هم گسسته را با رشته های آهن و خون بهم میدوخت و

این اجزایا بهم لجم میکرد، وضع چنین بود تا دوران کنونی که جاده های اسفالت، راه آهن ها، راههای هوایی رابطه اجزای کشور را

بهم بیش از پیش برقرار میسازد و امر بازرواحد، فرهنگ هماهنگ، شباخت های نژادی و قوامی، همانند بهای روانی رادرهینه سرزمین ما،

با سرعت به پیش میراند، خود این گسستگی مکانی را نیز باید از علل عدم رشد جوانه های سرمایه داری در جامعه فئودال ایران دانست.

جوانه هایی که متعدد بود (ارتباط پولی-کالائی، کارگاههای بزرگ بازرگانی وسیع).

۳) اما در اثر گذرگاه بودن یا موقعیت استراتژیک ایران (یا موقعیت ژئوپلیتیک آن)، این کشور از زمان هجوم های سه گانه

قبایل آریائی (از ۵ هزار سال تا ۳ هزار سال پیش) بارها مورد حمله اقوام و ملل دیگر قرار گرفت، مساندند مقدونی ها، میاطله، اعراب،

فرها و سرانجام استعمار غرب، که از این موقعیت ایران «خوش آمد» و آنرا بعنوان موقعیت سوق الجیشی علیه همسایه شمالی ما برگزید و

در این راه بر ما پیداهای راند و خواهد راند.

هجومها در ایران اثرات مختلف داشت:

اثر منفی، بصورت در هم ریختن تمدن موجود و اثر مثبت بصورت انتقال تمدنهای دیگر، ایجاد انقلابی در نظام استخوانی شده

و گشودن افق های نو. این امر بویژه در مورد سیطره اعراب با ایران صادق است، زیرا ایدئولوژی اسلام، با آن دمکراتیسیم و برابری

قبیله ای، توانست ضربت قاطعی به نظام کاست (طبقات در بسته) اشرافی سلطنتی ساسانی و ممالکوت بزرگ «ورزگان» و «ویسپوهران» و

«دیهاگان» (یعنی اشراف، ایلیخانان و مالکان) وارد سازد. هجوم اسکندر نیز از جهت انتقال فرهنگ فلسفی و هنری یونان

به کشور ما اثرات دراز مدت داشته است.

حتی هجوم مغول در راهگشائی شرق و غرب، بالا بردن تأثیر تمدن چین در ایران، انتقال تمدن ایران و عرب به کشورهای اروپا

و زمینه سازی نوزائی یا رنسانس اروپا دارای اثرات فراوان بود. آری تاریخ به گفته گوته در قانونست مانند «مغیستوفل» است

که شرمی اندیشد ولی خیر میا فریند!

گفتار بعد:

(تمدن ایرانی و ویژگیهای آن)

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

حسین عبدالهی اصل بحساب بانکی ۳۳۳۳

۱۰۰۰۰۰ ریال

۱۰۰۰۰ ریال

۵۰۰۰ ریال

۴۰۰۰ ریال

۲۰۰۰ ریال

دکتر از کرع

خانم م.ر.

م. اختر و س. میش

غید

رسولی، شکنجه گر معروف، در خیابانهای تهران گشت میزند

رسولی، شکنجه گر معروف ساواک که سالیان دراز به شکنجه و کشتار زندانیان سیاسی اشتغال داشت، در یکی از خیابانهای تهران توسط یک زندانی سابق سیاسی شناسائی شد. این زندانی سیاسی، هنگامیکه در پیاده رو حرکت میکرد، ناگهان با رسولی مواجه شد که همراه ۹ نفر دیگر، که مسلح به نظر میرسیدند، با خیال آسوده مشغول گشت زدن است. رسولی هم که حافظه نیرومندی دارد، این زندانی سیاسی را که توسط خود او شکنجه شده بود، به سرعت شناخت، به سراغ او آمد و با تهدید گفت: «اگر زیب دهننت را نکشی، کشته میشوی. انکار نه انکار که مراد میدی.» رسولی بعد از این تهدید، پیش از اینکه زندانی سیاسی بتواند مردم را به کمک بخواند، همراه ۹ نفری که او را همراهی میکردند، متواری شد.

ما حضور این شکنجه گر ساواک را، که یکی از کارآمدترین متخصصان تعقیب، خرابکاری و شکنجه است و سالیان دراز با جنایات حیوانی خود در شکنجه گاههای شاه، دشمنی آشتی ناپذیر خود را با مردم ایران اثبات کرده است، بعنوان یک خطر جدی تلقی میکنیم و از مسئولان مملکتی میخواهیم با انتشار وسیع عکس او، که یکبار در صفحه اول روزنامه کیهان چاپ شده است، و بسیج نیروها، هر چه زودتر دستگیرش کنند.

حضور این گرگ خونخوار، در آستانه انتخابات مجلس خبرگان، خیر از توطئه شوم ضد انقلاب میدهد.

قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا نقض خشن استقلال ایران است

بر سر تأمین استقلال کشور ماست، عهدنامه مودت با اتحاد شوروی باید حفظ شود و قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا باید لغو گردد. از آن پس وزارت خارجه ترازوی «موازنه هتفی» را کنار گذاشت و سکوت اختیار کرد! سکوتی مطلق و میهم، چنانکه گوئی قرارداد دورجانبه نظامی با امریکا اساساً وجود ندارد و موضوع لغو آنهم دیگر مطرح نیست. ولی قرارداد دوجانبه نظامی باقی است و موضوع لغو آنهم خواست مردم ایران است که بخاطر رهایی از چنگ اسارتگر سلطه امپریالیسم، که در اسنادی نظیر قرارداد دوجانبه نمودار آنست انقلاب کردند. اگر کسی تصور کند که میتوان مردم ایران را با سکوت نسبت به قرارداد دوجانبه، بسکوت واداشت، سخت در اشتباه است.

مردم ایران انقلاب نکرده اند تا مانند گذشته قلاده اسارت برگردن بکشند. مردم ایران انقلاب کردند تا استقلال آرزوست. رفته کشور را از چنگ امپریالیسم بازستانند. بنابراین آنها میخواهند که قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا - این قرارداد «مادر»، که صدها قرارداد استیلاگرانه زائیده و استقلال سیاسی - نظامی و نیز بطور غیرمستقیم استقلال اقتصادی کشور را فلج کرده اند، لغو گردد.

ما بنام مردم ایران و به نام انقلاب استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی پیروزمند خلق قهرمانان، از دولت و از وزارت خارجه میخواهیم که بی درنگ قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا را لغو کند و بدینسان نشان دهد کشور از حکمروائی و نفوذ مغرب امپریالیستی و خواستار تحصیل و تأمین استقلال کشور است.

استقلال ایران، که بخاطر آن خلق قهرمان ما همچون تن واحد قیام کرد و بیدریغ خون داد، بدون ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم ممکن نیست و قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا یکی از مهمترین اهرمهای سلطه نظامی-سیاسی امپریالیسم اسارتگر بر سر کشور ماست.

مردم انتظار داشتند که این قرارداد همزمان فردای انقلاب مملتی اعلام و سند تفکین آن به زیاله افکنده میشد. ولی اینک قریب شش ماه است که از پیروزی انقلاب میگذرد و این انتظار برآورده نشده که سهل است، مردم رفته رفته دارند به این نتیجه میرسند که تعلل دولت در لغو این قرارداد عمدی است. شکی در اذهان عمومی راه یافته که در پشت این تعلل، زوربندگانه برای حفظ حکمروائی امپریالیسم امریکا جریان دارد.

این شك بویژه از زمانی در افکار عمومی رسوخ کرد که از طرف مقامات مسئول وزارت خارجه گرچه تلویحی ولی بقد کافی مفهوم، کوشش بعمل آمد که قسار داد دوجانبه با عهدنامه مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی نوعی هم سنگه جلوه داده شود.

بدنبال این کوشش وزارت خارجه، افکار عمومی واکنش نشان داد و این واکنش در روزنامهها انعکاس یافت. نوشتند و توضیح دادند که قرارداد دوجانبه نظامی با امریکا سند اسارت استعماری نظیر قرارداد ۱۹۱۹ و توفال الدوله است و حال آنکه عهدنامه مودت ۱۹۲۱، حامی و پشتیبان استقلال و تمامیت ارضی کشور ماست. این دوسند را، که محتوا و هدف آنها در قطب مخالفت یکدیگر قرار دارد، نمیتوان همگون دانست و نمیتوان همگون قلمداد کرد. پیش از پیش روشن شد که اگر سخن



ایالات متحده آمریکا راهزن بین المللی

دوشنبه گذشته، خبر گزارها و بدنیاال آنها روزنامه‌ها، اظهارات هارولد براون، وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا، را با سراسر حوسه‌ها و عباراتی کمابیش متفاوت انتشار دادند، که آنها را میتوان در یک جمله خلاصه کرد: ایالات متحده آمریکا برای حفظ منافع حیاتی خود منطقه خاورمیانه و خلیج فارس آماده است ارتش گمیل دارد و بزور متوسل شود، ولی چون درس ویتنام را هنوز فراموش نکرده، این تجاوز را با کسب «توافق» (با دولتهای کشورهای که در آنجاها منافع حیاتی دارند) انجام خواهد داد.

قبل از بررسی مضمون اصلی اظهارات آقای وزیر، بد نیست به چند مطلب اشاره کنیم: نخست اینکه ایالات متحده آمریکا تجاوز به ویتنام را با «توافق» با دولت محلی دست نشانده خود آغاز کرد و این «توافق» کمترین تفاوتی در خصلت تجاوزی مداخله مسلحانه آمریکا در ویتنام بوجود نیامد. دوم اینکه این تجاوز هم بنام حفظ «منافع حیاتی» آمریکا انجام گرفت و این نسام نیز نتوانست خصلت غارتگرانه تجاوز را از نظر هیچکس بپوشاند. سوم اینکه خلق ویتنام، برخوردار از قدرت اراده‌ای ناشی از حق دفاع از هستی خود، برخوردار از پشتیبانی تمام بشریت عدالتخواه و بسویژه کشورهای سوسیالیستی در درجه اول اتحاد شوروی، یا نکی تجاوز کار را با تمام میلیون نفر ارتش دست نشانده محلی، چنان شکست داد که دلباختگان «منافع حیاتی» (آنها که توانستند) به چرخ هلیکوپتر چسبیده فرار کردند. چهارم اینکه، در شرایط کنونی، حتی کسب «توافق» برای اجرای تجاوز، چندان آسان هم نیست.

چنانکه وزیر خارجه کویت، همین دوشنبه گذشته چنین «زدوبندی» را نا ممکن دانست، زیرا دیگر آن زمان سپری شده است که خلقها را بسادگی به اسارت درآورد.

مانند همیشه اشعار متعددی در سافت کرده‌ایم. «مردم» از اینکه بلبل یاد شده در شماره‌های قبل نمیتواند همه این اشعار را چاپ کند، متأسف است. در پایان این ستون یادآوری میکنیم که با مضامین «دانشجو» شعری دریافت کرده‌ایم درباره خسرو روزبه و از «حق شناس» باز برای روزبه این ابیات: «گرچه بدترین خسرو، داداز ستم بر باد، نقد جان شیرینت ای تو بهترین فرهاد/ لیک شد ز تو هموار، راه سخت آزادی، باروز خون تو/ شد درخت آزادی». ف. شعری از مازندران فرستاده تقدیم به حزب، که با این بیت آغاز میشود: «تو پیغام بهارانی، تو پیوند قلوب خسته مجموع یارانی». «کازرونی» نیز شعری برای حزب دارد با این آغاز: «در باغچه نشاط گلهای سرخ و در چشمان مجرب کارگران، نشان تو را میبینم».

شعر طویل «آینده» از صحرائی، درباره حزب و با همین مضمون از شریف نژاد و «بار دگر آمد» از م. ر. (اصفهان)، شعری طولی از معصوم پناه و باز هم شعری از پرزوا، در میدان بزرگ شهر/ پیکر تنومند آزادی را بدار زدند/ و ز منم کردند که آزادی مرده است. و شعر از مشهد، حزبی که بوده است و هست و خواهد بود، و با همین مضمون از س. سلمانی و همچنین شعری از حبیب الله. ش. از جمله اشعار در سافتی است. دوست دیگری از شیراز شعری فرستاده با این مطلع: «مهرزم من بجوش چون چشمه از درون زهر سرشار/ بر خشکسال بسی قمری پر بار، دو شعر از صومعه سرا دریافت کرده‌ایم که دوست ما ش. آنها را سروده، یکی درباره حزب و دیگری درباره جهه خلق. اولی منجمه با این بیت: «با پیشانی پر چین/ و رنج زمان بر چهره/ نقلی از تاریخ و تغییر در بیان دارد». از فرهاد دوشمربا عتاب بن باز آمدی و «کیمیای تاریخ» رسیده و از د. الف. شعری با افتخار قهرمانان شهید توده‌ای و با نام «سلام بر حزب».

مشکریم.

گزارشی از برگزاری مراسم یاد بود سی تیرماه ۱۳۳۱ در شیراز

ساعت هفت بعد از ظهر روز شنبه ۳۰ ام تیرماه ۱۳۵۸، بنا بدعوت سازمان حزب توده ایران در شیراز، مراسم سالگرد سی ام تیر در تالار امیرکبیر دانشکده مهندسی دانشگاه شیراز، با شرکت گروه کثیری از اعضاء و هواداران حزب و سایر میهن پرستان و آزادیخواهان برگزار گردید.

ابتدا بیاس جانفشانیها و بزرگداشت شهدای گلگون کفن این روز، یک دقیقه سکوت اعلام گردید. پس از آن سرود حزبی، همراه با هم آوایی شرکت کنندگان، بطور دسته جمعی خوانده شد. سپس یکی از دوستان، ضمن بررسی این قیام و درسهای اتحاد نیروهای شرکت کننده در این روز تاریخی و پیروزی مردم بردستگاه جبار در بار خائن پهلوی و استعمارگفت: «سی تیر ۱۳۳۱ روزی بود که توده‌ای و مصدقی و سایر آزادیخواهان ضد استبداد و ضد امپریالیست متفقاً بمیدان نبرد رفتند. روزی بود که بحق جای برجسته‌ای در تاریخ مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی مردم ما کسب کرده است. در جای دیگر این سخنرانی چنین می‌آید: «امپریالیسم آمریکا، با توافق امپریالیسم انگلستان، با استفاده از کلیه شیوه‌های نو استعماری توطئه را تدارک میدیدند. متأسفانه در آن زمان در بین بخشی از نیروهای ملی، در دولت و در بین زمامداران نسبت به امپریالیسم آمریکا یک خوسوت بینی غیر واقعی وجود داشت. حزب توده ایران پیش از آن و در تمام دوران حکومت ملی مصدق، بارها چهره کریه امپریالیسم آمریکا را با افشاگریهای خود میدردید. و چنانکه مشاهده کردیم، این دشمن خونخوار و چپاولگر خلقهای جهان، با اجرای نقشه کودتای شوم ۲۸ مرداد، بوسیله عمال خود، که در رأس آن دربار پهلوی و شخص شاه مخلوع قرار داشت، بمدت ربع قرن بهترین فرزندان میهن ما را قتل عام کرد و توطئه‌های ملی ما را با شدیدترین وضع به یغما برد».

در این بررسی سپس چنین می‌آید: «در شرایط کنونی نیز امپریالیسم جهانخوار، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با حیل‌های گوناگون، توسط عمال رنگارنگ خود از «چپ» و راست، در میان نیروهای خلقی به تفرقه اندازی مشغول است و بادست زدن به ترور، خرابکاری، آتش سوزی، ترکاندن لوله‌های نفت و گاز، تحریک احساسات ملی، تشویق در کوچ و فرار مغزها و با ایجاد روحیه هراس و ترس، تفتین بین نیروهای صادق ضد امپریالیست، ایجاد آشفتگی اقتصادی در تولید و توزیع و هزاران عمل ابله‌ی دیگری، سعی دارد انقلاب عظیم مردم ما را به بیراهه سوق دهد».

در پایان این مطلب چنین نتیجه گرفته میشود: «ضرورت اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیست و احزاب و سازمانهای معتقد به انقلاب ایران، که پشتیبانی از موضعگیری قاطع و پیگیر امام خمینی، رهبر انقلاب ایران، در مبارزه با امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده شاه مخلوع کاملاً احساس میشود. ما در این روز تاریخی، با یادآوری از رویداد بزرگ سی ام تیرماه ۱۳۳۱، بخون پاک شهیدان این قیام سوگند یاد میکنیم که در راه انحصار همه نیروهای هوادار انقلاب بکوشیم و علیه تمام توطئه‌های آشکار و پنهان ضد انقلاب، با امپریالیستها و در رأس آن امپریالیسم آمریکا و ایادی چیره خوار آنها در ایران، تا آخرین لحظات حیات پیکار کنیم. زنده باد جهه متحد خلق!»

بدنبال سخنرانی، یکی از همراهان حزب، شعری را که خود بمناسبت قیام سی تیر سروده بود، قرائت کرد که با استقبال پرشور حضار روبرو گردید. سپس پیامهای تشکیلات دمکراتیک زنان-شیراز، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات- شیراز و کانون دانش آموزان دمکرات شیراز قرائت گردید.

جمشید، یکی از دوستان، در وصف حزب توده ایران شعری را که خود سروده بود، خواند و با استقبال فراوان شرکت کنندگان مواجه گردید. در پایان یکی از همراهان حزب، شعر «پیر مرد و سه تارش را بصورت دکلمه اجرا کرد که مورد تشویق فراوان حضار واقع شد. این مراسم در ساعت ۸ و نیم بعد از ظهر، با نواختن سرود حزبی، به پایان رسید.

وزیر دفاع و کمیته روسای ستاد اتخاذ شده است. بدینسان امریکاهمان امریکا، متجاوز همان متجاوز، غارتگر همان غارتگر، راهزن بین المللی همان راهزن و ابله نیز همان ابله است که در دنیا بسیار آزموده، ولی هیچ چیز نیاموخته است. کوربینی از ایمن بیشتر که تجربه، ایسران را، مرحله به مرحله، عیناً و دقیقاً، در نیکاراگوئه نیز «پیاده کرد» بدون اینکه بتواند ببیند که همان نتیجه حاصل خواهد شد.

بدبختی امپریالیسم و خوشبختی خلقها در این است که امپریالیسم هیچگاه نخواهد توانست نیروی توده‌های مردم را در محاسبات خود وارد کند.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

رقفا و دوستانی که در خارج از کشوراند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند: Sweden Stockholm Sparbanken Stockholm N: 0400 126 50 Dr. John Takman

با در نظر گرفتن نکاتی که بدانها اشاره رفت، اظهارات هارولد براون دارای یک مضمون و یک معنا، بدون هیچ شاخ و برگ است، و آن اینکه، ایالات متحده آمریکا برای «منافع حیاتی» خود، یعنی برای غارت اموال دیگران، مجدداً به سیاست قبل از ویتنام روی آورده است، و بر خلاف گفته رئیس پنتاگون، درس ویتنام را، که با خصلت تجاوزکار امپریالیسم درنده و غارتگر سازگار نیست، فراموش کرده است.

خلاصه براون گفته است و از قول خودش هم نگفته است، بلکه بر مبنای تصمیم «کمیته تجدید نظر در سیاست» کاخ سفید گفته است که، آمریکا ممکن است برای ادامه غارت هستی کشورهای منطقه خلیج فارس ارتش گمیل دارد. این ارتش نیرویی است بنام نیروی «واکنش سریع»، بفرماندهی ژنرال رالف لورنس، نیرویی ظاهراً ۱۱۰ هزار نفری ویژه، که از طریق هوا «پرتاب» خواهد شد و بوسیله ناوگان و وسزما یکجه میبایستی در آبهای شمال غربی اقیانوس هند، در کنار شاخ افریقا و شبه جزیره عربستان تشکیل یابد، و نیز با اتکال به پایگاه‌های نظامی در بحرین و بصره که آنها نیز میبایست توسعه یابند، تقویت خواهد گردید. همه این تصمیمات در دو جلسه کمیته «تجدید نظر در سیاست» کاخ سفید، یکسری در ششم و دومی در سیزدهم ژوئن، با شرکت رئیس شورای امنیت ملی، وزیر خارجه،

اخبار کارگری

کارگران با اتحاد خویش توطنه‌های دشمنان را خنثی میکنند

انتخابات، که با اکثریت قریب به اتفاق رانندگان و با نظارت آقای حسن هدایتی و آقای حسن زندیه خرم آبادی تشکیل شد، ۵ نفر از رانندگان بسدین ترتیب انتخاب شدند،

۱- آقای ایوانلو ۲- آقای ایازبیداری ۳- آقای ایوانی ۴- آقای محمد نیک پی ۵- آقای محمد کریم علامتی. صورت جلسه انتخابات برای آقای هادوی و همچنین آقای داریوش فروهر و

رانندگان شرکت ایران سرعت، پس از سالها بالاخره سندیکای کارگری خویش را تشکیل دادند تا بتواند با نمایندگان حقیقی خویش مشکلات فراوان خود را حل نمایند. در این

آقای صدوقی و با زور دادستان انقلاب و کمیته امام ارسال شده است.

کارفرمای این شرکت همواره برای تفرقه در بین کارگران توطئه میکند، از جمله استوار بازنشسته‌ای بود، که این شخصی، از همان روز اول از طریق پخش شایعه و دروغ پراکنی ایجاد تفرقه میکرد که با اعتراض رانندگان و خواست آنها برای اخراج او و همچنین با تایید نمایندگان مذکور، از شرکت اخراج گردید. مشکلات این شرکت، بخصوص ترمینال واقع در ۱۶ کیلومتری جاده ساره، بقدری بغرنب است که باعث نگرانی است.

در خواستهای قانونی و حقه اتحادیه کارگران پیمانی حمل و نقل وابسته به شرکت نفت در مناطق نفت خیز اهواز، مسجد سلیمان، خارك و گچساران و علت اعتصاب آنان

ما کارگران حمل و نقل پیمانی وابسته به شرکت نفت در مناطق نفت خیز جنوب، اهواز، مسجد سلیمان، خارك و گچساران مدت قریب بیست سال در زیر یوغ استبداد و استثمار وحشیانه رژیم فاسد، تبهکار و چپاولگر پسر رضا خان و سرمایه داران واسطه زالوصفت متحمل همه گونه ستم شده ایم.

اکنون که بر اثر مبارزات دلاورانه کلیه طبقات و قشرهای مستضعف و زحمتکش، منجمده کارگران مبارز، و بر اثر قهرمانی‌های افسانه‌ای هزاران مرد وزن شریف، که بخاطر حق و استقلال و آزادی جان باختند، انقلاب شکوهمند اسلامی تمامی مردم ایران به رهبری زعيم بزرگ ما امام خمینی پیروز شده است،

انتظار داریم که ببینیم در محیط کار ما روابط و ضوابط کار بر مبنای عدالت و قسط بنا شود. بر اساس همین انتظارات منطقی که از حکومت اسلامی خود داشته ایم و داریم، صمیمانه از اولیای شرکت نفت تقاضا کرده ایم که بیایند و از نزدیک وضع اسفبار ما و خانواده هایمان را ببینند و خواستهای مشروع ما را مورد رسیدگی قرار دهند. ما می خواهیم که:

۱- دست ایادی واسطه که از زحمات شبانه روزی ما بهره های کلان به جیب می زنند، بین شرکت نفت و ما قطع گردد.

۲- ما را در ردیف «کارگران رسمی» شرکت نفت محسوب دارند و از محرومیت های ظالمانه ناشی از «کارگر غیر رسمی» و «پیمانی» بودن نجات دهند.

۳- کلیه مزایایی که در مدت انقلاب به کارگران شرکت نفت پرداخت شده، ولی ما از

آنها محروم گردیدیم (از قبیل حق مسکن که حق طبیعی همه مستضعفان است و نیز اضافه حقوق) به ما داده شود.

۴- اجرای کامل قانون کار در مورد همه کارگران سازمانهای حمل و نقل وابسته به شرکت نفت رعایت گردد.

با اینکه این درخواستها مشروع و بحق است، متأسفانه مذاکرات و اقدامات قانونی ما تاکنون به نتیجه نرسیده است.

ما در این شرایط حساس اعلام می داریم که این ناراضی تراشیها فقط بسود ضد انقلاب است. ما در عین نگرانی از اینکه ضد انقلاب در همه جا مترصد سوءاستفاده از آشفتگی های کنونی به نفع مصالح پلید و ضد انسانی خویش است و با اعلام دل بستگی به حفظ دستاوردهای انقلاب و نفرت طبقاتی کارگری به ضد انقلاب، چون به حقانیت درخواستهایمان ایمان داریم، برای رسانیدن صدای خود و خانواده های مستکشدمان به گوش رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی و اولیای دولت و جناب آقای نزیه رئیس هیأت مدیره شرکت نفت، بعنوان اتحادیه کارگران پیمانی حمل و نقل صنعت نفت اجرای خواستهای بحق و مشروع فوق الذکر را بار دیگر تقاضا می کنیم و به اطلاع می رسانیم که تا رسیدگی کامل به مواد ذکر شده بالا از تاریخ ۱۳۵۸/۴/۲۸ در محل کار خود حاضر خواهیم شد، ولی در اعتصاب نشسته و آرام خواهیم بود.

با درود فراوان به رهبر بزرگ انقلاب ایران امام خمینی و تمام طبقات زحمتکش ایران! اتحادیه کارگران پیمانی حمل و نقل شرکت نفت در مناطق نفت خیز

کلیه زمینهای زراعی متعلق به دهقانان است

دست مالکان بزرگ و زمینداران سرمایه دار از روستاها کوتاه باد!

اخبار و گزارشهای واصله از دهات گوناگون نشان میدهد که مالکان بزرگ و زمینداران سرمایه دار از فرصت کنونی سوء استفاده کرده و در بسیاری نقاط، بعلت ضعف و ناروشنی سیاست دولت و گناه حتی هواداری مقامات مسئول از مالکان، دست به یورش و بیسابقه علیه دهقانان زده و جمع آوری محصول و پس گرفتن زمینها زده اند. مردان مسلح یا چماقداران مالکان بدهات حمله میبرند، در بسیاری از روستاها دهقانان نیز مردانه از حق مسلم خود، از زمینی که حق آنها و مال آنهاست، دفاع میکنند و نمیگذارند نتایج انقلاب بزرگ خلقی ما از جانب مشتاقان غاصب و استثمارگر لکه دار شود. عملاً دهقانان با حق طلبی خویش مدافع انقلابند و مالکان با زورگویی و حق کشی عامل ضد انقلاب. «آرام کردن» مناطق روستائی با دلجوئی از مالکان غارتگر و مماشات در برابر عمل ضد انقلابی آنان ممکن نیست.

در همین هفته های اخیر نمونه های متعددی از این رویا دورویی در آذربایجان و مازندران، در کردستان و خوزستان، در فارس و کرمان، در گرگان و خراسان دیده شده، که حدت مسئله را نشان میدهد. در اینجا گزارش را که از اصفهان بدست ما رسیده، بعنوان نمونه تازه ای چاپ میکنیم و سپس یکبار دیگر نظر کلی خود را در این مسئله بسیار مهم و حیاتی تکرار می نمائیم.

روز ۳۰ تیر، کشاورزان شهرک امام (قلعه دز) سابق در مقابل کمیته امام، واقع در خیابان شاه اسماعیل اصفهان، دست به تجمن زدند و خواستار احقاق حقوق پایمال شده خود از جانب محمدجعفر کازرونی، مالک و سرمایه دار معروف دوران رژیم سابق شدند. آنها با خود پلاکاردهائی با این مضمون همراه داشتند:

۱) از دادگاه انقلاب می خواهیم اموالی را که کازرونی از ما تصاحب نموده هر چه زودتر در اختیار ما قرار دهند.

۲) زارعین شهرک امام خواستار دستگیری و مجازات کازرونی، سرسپرده رژیم منفور پهلوی هستند.

گزارشگری که این مطلب را به «مردم» اطلاع داده اضافه میکند که، در زمان اصلاحات ارضی رژیم سابق، میزان زمینی که این کشاورزان روی آن مشغول کشت بودند، ۲۴ الی ۲۵ هزار جریب را شامل میشد، که مالک و سرمایه دار منفور، بعنوان اینکه ۲۰ هزار جریب آن شامل کشت صنعتی است و کشاورزان بصورت روزمزد روی آن کار میکنند، این مقدار را از قانون اصلاحات ارضی معاف میکنند و بقیه را هم در عمل به ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ جریب کاهش میدهند و از آن بعد سهم کشاورزان را هم پرداخت نمیکند. در همان زمان کشاورزان دست به اعتراض میزنند، که بگفته خود روستائیان، عمال شاه و مالک سه نفر از آنها را میکشد و ده نفر را بزند آن از یک الی سه سال محکوم میکنند. در آن زمان «جرم» این اشخاص را «تسوده ای و خرابکار» عنوان میکردند. به علاوه خانواده های کشته شدگان و زندانی شدگان خواستار رسیدگی به جنایت و مجازات کسانی هستند، که خون مبارزان را بزمین ریختند.

از این نمونه ها در روستاهای مهن ما بسیار زیاد است. دیگر وقت آن رسیده است که پس از انقلاب شکوهمند خلق قهرمان ما، مسئله زمین

بسود دهقانان زحمتکش، بنحوی قاطع و بی تردید حل شود. اجرای اصلاحات ارضی واقعی، بنحوی که همه دهقانان زحمتکش بصورت فردی یا تعاونی و گروهی مالک زمینی باشند که روی آن کار می کنند و محصول آن مال خودشان باشد، يك خواست حقه و يك ضرورت زمان است. داشتن زمین، طرد بهره کشی از جانب مالک زمین، حق مسلم همه دهقانان ایران است. این يك ضرورت انقلابی است. زمین باید مال کسی باشد که آنرا می کارد و روی آن کار می کند. بجز واحدهای صنعتی شده بزرگی که نحوه تولید در آنها ایجاب میکند که بدست دولت و مستقیماً توسط دولت، بخاطر تولید بیشتر و تحکیم استقلال اقتصاد کشاورزی، اداره شود و کارگران کشاورزی باید در آنها نظروظارت داشته باشند، در بقیه موارد، یعنی اکثریت مطلق زمینهای ایران، باید بساط مالکیت بزرگ فردی و زمینداری بزرگ غارتگرانه از بین برود. زمین باید در اختیار دهقانان قرار گیرد، این واگذاری می تواند شکل شخصی و انفرادی بخود بگیرد یا بشکل گروهی و تعاونی باشد. بسته به محل و نوع کار و سابق و سنتها، بسته به امکانات دادن اعتبار و کمک و مدیریت و غیره، میتوان این یا آن شکل را با انتخاب و بنا بعمل آورد خود دهقانان زحمتکش اجرا کرد. اما در هر صورت بساط بقایای مالکیت و استثمار فئودالی و بساط مالکیت بزرگ سرمایه داری بر زمین باید برچیده شود و اصلاحات ارضی و نحوه اجرای آن باید فقط نفع دهقانان زحمتکش و نفع اقتصاد سالم و مستقل کشور را در نظر داشته باشد. در این مسئله نیروهای مختلف سیاسی و مذهبی اظهار نظر موافق میکنند و هر يك بنابه معتقدات و اصول اندیشه ای خویش، لزوم این چنین برخوردی با مسئله دهقانی و مالکیت زمین را خطا نشان میسازند. يك نگاه به تفسیرها و راهنمائیها و اظهار نظرهای منتشره در زمینه اصلاحات ارضی درجاریه مختلف نشان میدهد که طیف بسیار وسیعی از نیروها باین اصول معتقد شده اند.

اگر زمانی حزب توده ایران تنها و اولین بیانگر خواست دهقانان زحمتکش در مورد اصلاحات ارضی بنیادی و قساطرع بسود دهقانان زحمتکش و بدست دهقانان زحمتکش بود و بسیاری از فعالینش بعلت مبارزه علیه مالکان بزرگ فئودال بزندان افتاده و شکنجه شدند، اینك دیگر این نیاز عینی و خواست عمومی جامعه ما را بسیاری از نیروهای مذهبی و سیاسی مترقی بیان میکنند. این نشان میدهد که چقدر مسئله حاد است و زمان حل آن فرا رسیده است.

هیچگونه تأخیری نه جایز است نه موجه. در زمان ما این ضد انقلاب است که از تأخیر در حل مسئله سود میبرد. پایگاه طبقاتی ضد انقلاب، منجمده در بین فئودالها و مالکان و زمینداران بزرگ است. بخاطر سرکوب ضد انقلاب، بخاطر دفاع از انقلاب، باید زمینها را از آنها گرفت و به دهقانان پس داد. آن مالکان بزرگی که دست بجنایت زده اند، باید در برابر مردم پاسخگو باشند. حق دهقانان باید با آنها بازگردانده شود. انقلاب ما از این راه نیروی بزرگ و لایزال را به جمع قوای خود خواهد افزود و ضمن حل يك مسئله بزرگ اقتصادی و یکی از حادترین مسائل اجتماعی، در نبردی که بین خلق ما و منجمده دهقانان زحمتکش از یکسو و امپریالیست ها و عمال داخلی اش و منجمده زمینداران و مالکان بزرگ از سوی دیگر در جریان است، کفه توازن را بسود انقلاب، بسود خلق شکنجین تر خواهد ساخت.

با خود برداشته و بخارج گریخته است. چون کارخانه بودجه کافی برای تولید بیشتر ندارد، در شورای کارخانه، کارگران و کارمندان تصمیم گرفته اند که از حقوق خود به بودجه کارخانه کمک کنند. آنها در شورا تصمیم گرفتند که در هر ماه از حقوق کارگران هر نفر ۵۰۰ تومان و از حقوق کارمندان هر نفر ۷۰۰ تومان به بودجه کارخانه کمک شود.

کارگران و کارمندان شرکت ایران گاز به بودجه کارخانه کمک میکنند

کارگران شرکت ایران گاز چند روزیست که شورای خود را در کارخانه تشکیل داده اند. شرکت ایران گاز متعلق به «ثابت یاسال» یکی از سرمایه داران وابسته به ام-ریالیسم و یکی از نزدیکان دربار پهلوی بود. این شخص دارای ۱۵ کارخانه و مؤسسات دیگر، از جمله روغن اسکول و شرابهای گساز و دیگر بود. قبل از انقلاب، «ثابت یاسال»، به همراه دیگر سرمایه داران از مملکت ستم دیده بغارت برده بود، کارخانه کمک

کارخانه آجر آریا شید

کارخانه در ۲۰ کیلومتری جاده تهران-ساره در جنب شهرک وازان قرار دارد. تولید آجر نما بطریقه اتوماتیک با کوره های گازوئیلی است. جمعاً دارای ۷۳ نفر کارگر است. تولید روزانه آجر کارخانه، با توجه به اینکه شامل دو کوره است، با کار کردن یکی از کوره ها به ۱۸۰۰/۰۰ الی ۱۰۰۰/۰۰ عدد میرسد، که دانه ای ۳/۵ ریال بفروش میرسد. حقوق کارگران روزانه ۳۵-۵۰ تومان است. ساعات کار روزانه ۸ ساعت است، بدون احتساب نیم ساعت برای صرف ناهار.

در کارخانه تهویه و کولر وجود ندارد. تابستان درجه حرارت به ۴۰ درجه و در بعضی از نقاط کارخانه به ۵۰ درجه میرسد. کارگران فاقد لباس کارند. کارخانه کلا فاقد سرویس ایاب و ذهاب، سرویس و توالی، نهارخوری و لباس کشی است.

کارگران اغلب از شهرهای جاده ساوه به آنجا آمده اند و همه استخدامی و بیمه اند.

غذای نیمروز آنها اغلب نان و پنیر کوچک و خیار است بعضی مواقع هم شب مانده ای با خود می آورند. سن کارگران از ۱۹ تا ۵۰ سال است.

در کارخانه هنوز ۳ کارگر پاکستانی - ۲ نفر بر فکار و یک نفر راننده - و تعدادی از کشت شمار کارگر ساده افغانی نیز کار میکنند که آنها در محل کارخانه بطرز فجیع غیر بهداشتی زندگی میکنند. کارگران اکثراً بیسوادند و نماینده ای دارند که راننده بلدوزر است.

کارخانه متعلق به چند سرمایه دار است که یکی از آنان حاجی پیروز است.

کارخانه در حال حاضر بوسیله مدیر شرکت به پسر حاجی پیروز است، اداره میشود.

کارگران بیکار شرکت تهران تاج حقوق دوران بیکاری دریافت میکنند

«بنیاد پهلوی» سابق، در زمینه سرمایه گذاری در شرکت های ساختمانی، در گذشته فعالیت زیادی داشته است. اکثر شرکت های ساختمانی، که در طرح ساختمانی منطقه «فرحزاد» کار می کرده اند، متعلق به «بنیاد پهلوی» بودند. بعد از تغییر و تحول اخیر و تبدیل «بنیاد پهلوی» به «بنیاد علوی»، اداره امور این شرکتها بدست مسئولین دولتی افتاده است. اکثر این شرکتها هنوز کارشان را کد است و کارگران نشان بیکاری ندارند. یکی از کارگران شرکت تهران تاج میگفت: پس از ۶ ماه بیکاری به شرکت مراجعه کردم و مبلغ ۸۰۰۰ تومان بابت حقوق زمان بیکاری دریافت کردم. او معتقد بود که این پول برابر با نصف حقوق شش ماهه اوست و دولت کارگران این شرکت را از گرسنگی نجات داده است.

دو نوع تعبیر از دین در جامعه امروز ایران

از راست و از «چپ» میخواهند دینت را بجای عامل اتحاد بوسیله تفرقه بدل کنند

دو نوع تعبیر از دینت اسلام در جامعه امروزین ایران مرسوم شده است. یک تعبیر سنتی

زدین اسلام و مذهب جعفری تشیع، که تکیه خود را بر مراسم عبادی میگذارد و یک تعبیر نوین، که بر

وظایف سیاسی و اجتماعی اسلام تکیه میکند و اسلام را بصورت یک جهان بینی انقلابی و مصلح

عرضه میکند.

تعبیر نوین طی بیش از نیم قرن اخیر در ایران و برخی دیگر کشورهای اسلامی پیدا شده و تلاشی است بمنظور درک عمیق تر رسالت پیغمبر اسلام و دادن محتوای ژرفتری و فراختر و مشخص تر به آیات و مآثورات و پاسخگویی به پرسشهای سوزان عصر و تکامل جامعه ایران از زبان اسلام.

در خود این تعبیر اخیر نیز جریانات مختلفی دیده میشود، کسانی کوشیدند تا مفارقات اسلامی را بشیوه نوینی طراحی کنند و از جمله با تکیه بر اسفار صدرالدین شهرازی، نوعی فلسفه اسلامی، بویژه برای مبارزه با «ما تریالیسم دینا لک تیک» پدید آورند. آشنائی این افراد از فلسفه مارکس و انگلس در حدود بیان ساده شده و اولیه ای بود که نزد برخی مولفان مارکسیست ایرانی یافته اند و لذا معارضه آنها بکلی از کنار هدف میگذرد و آنچه در این زمینه نوشته اند، اعتبار یک بحث علمی واقعی را فاقد است. اما کسانی کوشیدند تا اسلام و تشیع را به افکار معنوی مبارزه خاق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم جابر و فاسد سلسله پهلوی بدل کنند. در این زمینه بویژه باید از امام خمینی نام برد و نیز از متفکران اسلامی دیگری مانند آیت اله طالقانی و دکتر علی شریعتی و ابوالحسن بنی صدر و دیگران. آن ایدئولوژی اسلامی، سیاسی و اجتماعی، که به برکت کوشش ایشان و جمعی دیگر از متفکران اسلامی کشور ما پدید شده و «پیش توحیدی» نام گرفته، پرچم معنوی بسیار مهم در مرحله اول انقلاب پیروزمند ایران علیه سلسله پهلوی و برای استقرار جمهوری اسلامی بود و کماکان در بخش انتقالی کنونی دارد نقش مترقی در بسط و گسترش دستاوردهای انقلاب ایفا میکند.

شباهت با هدفهای حزب ما

اظهار نظر ما درباره نقش مثبت اجتماعی این جنبش توحیدی و شباهت اهداف آن به هدفهای حزب ما، مایه حیرت و سؤال در محافل برخی مدعیان «مارکسیسم - لنینیسم» شد و در این محافل این سؤال پیش آمد که، چگونه «مارکسیسم - لنینیسم» میتواند با یک ایدئولوژی مذهبی همسازی یا بداند و اینکه «حزب توده ایران در این زمینه خدعه و عوام فریبی

اسلام، ایدئولوژی اجتماعی

امام خمینی، با حفظ وفاداری اکید خود به همه معتقدات اسلامی و شیعی، تکانی تازه باین روند داده و امروز اسلام در کشور ما، بیش از پیش خود را بصورت یک ایدئولوژی اجتماعی تنظیم میکند.

نهمیدن نقش مذهب بطور اعم و ندیدن این فرورمیس مترقی مذهبی و عملکرد آن در انقلاب کنونی بطور اخص، خطائی است بزرگ و دارای نتایج منفی. لذا آنچه که حزب ما در این زمینه گفته و میگوید، بازیهای دیپلماتیک، انحراف از اصول، بازبین گرائی در مارکسیسم نیست، بلکه در آمیختن تحلیل صحیح و مشخص علمی و اصولی با واقع گرائی سیاسی است. لنین تأکید میکند که معنا و ریشه هر گونه سیاست حزب پرولتاریا این بیوند استوار اصولی با نرمنش عملی است. ما به این مدعیان آشنائی با جهان بینی مارکسیستی بنوبه خود توصیه میکنیم که، هم این جهان بینی را با جامعیت بیشتر بیاموزند و هم آنرا با خلاقیت بیشتر بر شرایط ایران پیاده کنند.

در عین حال ما با آن جریاناتی که میخواهند اسلام را به پرچم دشمنی با مارکسیسم - لنینیسم بدل کنند، با نظر موافق نمی تکریم. آیا مسلمان واقعی آنکسی است که وقتی یک پیر و مارکسیسم - لنینیسم با او میگوید، «برادر! خواهی من حاضرم در راه سعادت ایران و انسان، همراه و همگام تو، بسوی هدفهای مشترک برویم و معنی را بر لفظ و محتوی را بر شکل مرجع شمریم»، باید این دست آخته شده اتحاد را رد کند و بگوید، «نه! اختلاف ما بر سر برخی مسائل کلی فلسفی، از اتحاد ما بر سردهها مسئله حاد و مهم و مشخص اجتماعی روز مهمتر است، لذا باید آنقدر بر سر هم بکوبیم، تا دشمن مشترک ما بر ما پیروز شود!».

بنظر ما پاسخ اخیر، پاسخ یک مسلمان واقعی و مبارز نیست. در بسیاری اظهارات امام خمینی و آیت الله طالقانی و سایر متفکران مترقی و واقع بین اسلامی نیز، مانند ما، باین قبیل تفرقه افکنان پاسخ منفی داده شده و بر روی «وحدت کلمه» همه مجاهدان راه سعادت ایران تکیه شده است.

میکند.

این حیرت و سؤال و تهمت، ناشی از فقدان تصور جامع و دقیق از نظر مارکسیسم - لنینیسم درباره مذهب و نقش آن در گذشته و آینده جامعه بشری است. اگر کلاسیک های مارکسیسم، آنقدر سطحی و بی خبر می بودند که ریشه های عمیق اجتماعی و معرفتی مذهب و عملکرد خاص آنرا بشکل مشخص در روند تاریخ نمی فهمیدند، آنموقع در خورد نام «کلاسیک های مارکسیسم - لنینیسم» نمی شدند. ولی خوشبختانه و چنانکه طبیعی است، آنها چنین کسانی نبودند.

آنها بخوبی میدانستند که مذهب، در جامعه ای که در آن بردگی و درمناذگی، نیاز و تنهایی انسان، حتی انسانهای مجرب به زور و زور در مقابل نیروهای قاهر طبیعت و جامعه، در حکم «جبرانگر» و «تکیه گاه روحی» است، تا تکیه گاه دیگری، بصورت بشریت متحد و همبسته، که آدمی را از گهواره تا گور در زیر شهبان حمایت انسانی و علمی خود بگیرد، بوجود نیاید، ضرورت و عملکرد اجتماعی خاص خویش را حفظ میکند. مذهب یک شکل ویژه از شعور اجتماعی است که در آن، جهان بینی و عواطف خاص روحی (مذهبی) و نوازش کل در آمیخته است و لذا پیوندهای ویژه ای با مجموعه زندگی انسانی می یابد. بهمین سبب است که مارکس میگوید که مذهب «آه» یک جامعه «بی قلب» و «روح» یک جامعه «بی روح» است.

بعلاوه روندی که در مذهب شیعه در ایران، از پنجاه سال بازمیگذرد، یک روند اصلاح مذهبی (رفورمیسم) است. در مقابل تلاش ناموفق با بیان اولیه و پاکدینان پیرو کسروی، که خواستند در آنسوی اسلام و شیعیگری، مذهبی نو، متناسب با مقتضیات محیط، بسازند و از این جهت دست بدعاوی گونه گون زدند، این رفورمیسم مذهبی، که ما با آن رو برو هستیم، از درون معتقدات اسلامی و شیعی، بدون نقض الحاد آمیز آن، بر جوشیده است و کسانی مانند سید جمال الدین اسدآبادی، نائینی، شریعت سنگلجی، مهندس مهدی بازرگان در ادوار مختلف زمینه ساز آن بوده اند.

نخست، اجرای اصلاحات ارضی بنیادی - سپس نوسازی کشاورزی

وزارت کشاورزی و منابع طبیعی، پس از ماهها بحث و بررسی طرح کلی، بمنظور تجدید تشکلات آن وزارتخانه تهیه کرده است. در این طرح نه مسائل و مشکلات اساسی کشاورزی بدرستی تحلیل شده و نه اهداف سیاست کشاورزی با دقت و مناسب با وضع کنونی تعیین شده است. یکی از نکته های مهم در طرح، تکیه بر «ده» است که در طرح در این مورد چنین آمده است:

«ده بعنوان واحدی اجتماعی، فرهنگی و تولیدی برسمیت شناخته میشود و بطور کلی عرف ذرائع مورد قبول وزارت کشاورزی است. کوشش میشود با توجه به مشخصات تولیدی و رسوم و سنن دهات و با نظر و مشارکت فعال خود اهالی، دهات احیا گردند... وزارت کشاورزی با همه امکانات خود به این گونه بهره برداریها مساعدت خواهد کرد.

یک مسئله اساسی در نوسازی کشاورزی به گونه ای شکفت انگیز به سادگی بر گزار شده است. اگر وزارت کشاورزی، چنانکه در مقدمه طرح آمده است، می پذیرد که «وارث ویرانی و آشفتگی بزرگی است که نیاز بیشتر در بر شماری آن نیست»، چرا نمی پذیرد که این ویرانی و آشفتگی قبل از همه در «ده» شکل گرفته و بر اثر «اصلاحات ارضی» به گونه ای ناهنجار ریشه دوانده و پایدار مانده است؟

نگاهی به تاریخچه با اصطلاح اصلاحات ارضی شاه مخلوع و نتایج حاصل از آن بروشنی نشان میدهد که، ساخت ده و بافت روستائی آن بشکلی است که از یک طرف مناسبات سرمایه داری در آن رشد یافته و اکثریت دهقانان را به زنجیر استثمار نوع جدید بسته است، و از طرف دیگر بقایای مناسبات کهن ارباب رعیتی، در موارد بسیار همچنان پایدار مانده است. از آنجا که اصلاحات ارضی در شرایط غیر دمکراتیک و در جهت تأمین منافع سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و بدون مداخله و نظارت دهقانان و نیز بدون رعایت حقوق و منافع آنان صورت گرفته است، زمینهای وسیعی، در سراسر مناطق روستائی ایران، همچنان در مالکیت زمینداران بزرگ باقی مانده است. مالکن بزرگ، با استفاده از موقعیت ممتاز خود، با توسل به مفرهای متعدد «قانونی»، با تشبیه به رشوه و تازیانه، با فریب روستائیان و

بندوبست با سازمان های دولتی و ماموران محلی، توانستند قسمتهای وسیعی از بهترین، حاصلخیزترین و مرغوبترین زمینهای فصبی را، باشکل گوناگون، در تصرف خود نگاهدارند و چه بسا، درباره ای از روستاها، همان مناسبات کهن ارباب - رعیتی را بسود خود و به زیان دهقانان تهیدست حفظ کنند.

این زمینداران و سرمایه داران پس از اجرای «قانون» نیز توانستند، با استفاده از موقعیت اضطراری دهقانان تهیدست و با توسل به همان شیوه های معهود، بر وسعت املاک و زمینهای خود بیفزایند، با بکار انداختن یک یا چند تراکتور و با اجیر کردن دهقانان بسی زمین، دامنه املاک و اراضی خود را تا جنگلها و تپهزارها و مراتع و چشمه سارها گسترش دادند، با استثمار پر حمانه دهقانان و با استفاده از انواع اعتبارها و کمکهای دستگاههای دولتی، وسیع ترین و مرغوبترین اراضی همان دهقانان را به مزارع بزرگ و باغها و میوهزارها بدل کردند و همه آنها را بنام «املاک مکانیزه» در تصرف خود نگاهداشتند. و متقابلاً بسیاری از دهقانان «صاحب نسق» که با اصطلاح مالک قطعه زمینی شده بودند، از کوچک ترین کمک دولتی محروم ماندند، زیر بار انواع وامهای قدیم و جدید و اقساط زمین درمانده شدند، تا جایی که از خیر زمین گنشتند، به مزدوری زمیندار بزرگ درآمدند، یا در زمین «ملکی» خود به مناسبات روابط ارباب - رعیتی سابق بازگشتند و یا ناچار مهاجرت کردند و به خیل آوارگان پیوستند و زمین را به «زمیندار» واگذار کردند!

همه این وقایع در محدوده «ده» صورت گرفته و تکامل یافت. تضاد بین زمینداران سرمایه دار، که بسا تصاحب سهام کارخانه ها و موسسات صنعتی و مالی شهری بر نفوذ و اعتبارشان نیز بر اتب افزوده شد، و دهقانان تهیدست رانده شده از زمین. که در روستاها ماندند، در تمام این پانزده شانزده سال، هر روز حادثه و شدیدتر شده است. و اگر در آن زمان صدای اعتراض دهقانان، بادست چناینگار ساواک، در گلویشان خفه میشد، امروز دیگر کسی، هر چند از پشت پنجره های کاخ سر به فلک کشیده «کشاورزی» بسه «ده» نگاه کند، نمیتواند اینس حقایق دردناک «ده» را نبیند و صدای محرومان و

مراسم بزرگداشت ۲۳ تیر در آبادان

روز ۵۸/۴/۲۵، در آملی تئاتر دانشکده نفت آبادان، بمناسبت بزرگداشت خاطره شهیدای ۲۳ تیر ۱۳۲۵، چند هزار نفر کارگر و دانشجو، جوان و پیر جمع شده بودند.

پس از نواختن سرود حزب توده ایران و قرائت پیامی از جانب دانشجویان دمکرات دانشکده نفت آبادان، سخنرانی یک رفیق کارگر شروع شد. وی بعد از خواندن قطعه شعری از اشعار لاهوتی (دموردر کارگر) مختصری در مورد وقایع ۲۳ تیر صحبت کرد و سپس به حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، درود فرستاد، که با استقبال بی نظیر شرکت کنندگان رو برو شد.

آنگاه پیام دانشجویان دمکرات دانشگاه جندی شاپور و سپس پیام دانشجویان دمکرات بهبهان خوانده شد. سپس کارگر مستی پیامی را از جانب یکی از رفقای کارگر خواند که در آن به دوستان و مبارزان جوان توصیه میشد، فریب تهمت ها و افتراهای مفرضان و تفرقه افکنان را نخورند و به صف حزب توده ایران بپیوندند، و نیز در آن پیام ضرورت اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در جبهه متحد خلق تأکید شده بود. پیام آن رفیق کارگر نیز با درود به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران، پایان یافت.

با چند پیام از سایر شهرها و نواختن سرود حزب توده ایران بر نامه پایان پذیرفت. دیوارهای اطراف سالن بسا شمارهای «جاودان باد خاطره پرافتخار شهیدان ۲۳ تیر ۱۳۲۵» و نام چند نفر از شهدا و شعار «زند باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک در جبهه متحد خلق» مزین شده بود. ناگفته نماند که در بهرون از محوطه سالن، در چمن دانشکده، عده ای ما تویست جمع شده و طبق معمول به «انجام وظیفه» در انعام ذنی به حزب توده ایران مشغول بودند.

ستمیدگان عاصی از ظلم و جنایت او با بان قدیم و جدید را در چهار دیواری «ده» نشنود!

حالا چگونه است که همین «ده» بعنوان «واحدی اجتماعی، فرهنگی و تولیدی» به «رسمیت» شناخته میشود و وزارت کشاورزی «با همه امکانات خود باین گونه بهره برداریها مساعدت خواهد کرد»، آیا دلیلش را نباید در ماهیت طرح، در عدم توجه تدوین کنندگان آن به علت اصلی خرابیها و ویرانیها، در تلاش برای حفظ مالکیت های زیانبار زمینهای ذرائع بسود سرمایه داران و زمینداران در تقویت سرمایه داری و حتی بقایای مناسبات ارباب - رعیتی به زیان دهقانان و بالاخره در سازشکاری و بی اعتنائی و بی تفاوتی مسئولان دولتی در برخورد با انقلاب ایران، در همه زمینها، جستجو کرد؟

مسئله اساسی نوسازی کشاورزی ایران نمی تواند از مسئله اساسی تر مالکیت های ارضی، و بطور کلی از مسئله بنیادی نظام اقتصادی کشور، تفکیک شود و بصورت انتزاعی مطرح گردد. ما با نظر وزارت کشاورزی در مورد روستاهای ایران کاملاً موافقم که «کوشش شود با توجه به مشخصات تولیدی ده... با نظر و مشارکت فعال خود اهالی، دهات احیا گردند»، ولی در شرایطی که هنوز مسئله مالکیت ارضی کشاورزی بسود خانواده های روستائی و در جهت نوسازی کشاورزی از ریشه اصلاح نشده باشد، اجرای چنین برنامه هایی نمیتواند پاسخگویی انقلاب ایران و در جهت تأمین خواسته های دهقانان ایران باشد.

درباره سایر مطالب طرح، هدفها و برنامه های کشاورزی دولت بازم سخن خواهیم داشت.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

ششم ۱۰۰۰۰ ریال
خرید پنج نسخه «مردم» توسط یک دوست از روزنامه فروش زیر پل ستارخان ۱۰۰۰ ریال
کمک دو کارگر تراشکار خیابان

فزونین توسط روزنامه فروش محل ۳۰۰ ریال
کمک یک دوست به کودکی که در خیابان نواب و آزادی «مردم» می فروخته ۵۰۰ ریال
دادرس - کارگاه دز از کرمانشاه ۴۰۰۰ ریال

آزادی نیکاراگوئه ضربه سنگین جدید به امپریالیسم امریکا



امپریالیسم و بازی با آتش

هارولد براون، وزیر دفاع امریکا، باردیگر بصراحت گفته است که این کشور آمادگی دارد برای دفاع از منافع حیاتی خود در هر منطقه‌ای، از جمله در خلیج فارس، از قسوه قهریه استفاده کند. به گزارش رویتر، براون ضمن تاکید این مطلب اضافه کرده است که تقویت نیروهای نظامی امریکا در خلیج فارس دارای اهمیت ویژه است.

در ارتباط با تلاشهای خطرناک در خلیج فارس، روزنامه‌های هند فاش کرده‌اند که امریکا میخواهد پایگاه دیکوگارسها، در اقیانوس هند، را با سلاح هسته‌ای مجهز کند. این اقدام امریکا بمعنی بی‌اعتنائی کامل و گستاخانه به افکار عمومی جهان است. سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ اقیانوس هند را منطقه‌ای عاری از سلاحهای هسته‌ای اعلام کرده است. در این زمینه همکاری رژیم ژادپرست آفریقای جنوبی با امریکا جالب توجه است. امریکا در صدد است از پایگاه «سیمونس-تاون»، در آفریقای جنوبی، برای مقاصد تجاوزکارانه خود استفاده کند.

در این میان واکنش‌های قهرس در برابر تلاش امریکا برای استقرار پایگاههای نظامی در جزیره نیز قابل توجه است. به گزارش یونایتد پرس، یک سخنگوی ترکهای قبرس به یونانیان جزیره اخطار کرد که اگر به امریکا اجازه تأسیس پایگاه دهند، با عواقب بسیار شومی روبرو میشوند. بسیاری از محافل یونانیان قبرس نیز اعلام کرده‌اند که به امریکا اجازه داده نمیشود که از قبرس بعنوان پایگاهی برای مقاصد خود استفاده کند.

شکست مفتضحانه غرب

و چین در ژنو

خبرگزاری فرانسه در گزارشی اعلام کرده که جمهوری سوسیالیستی ویتنام کنفرانس ژنو را، که برای رسیدگی به اوضاع هند و چین و وضع «آوارگان» تشکیل شده بود، شکستی برای چین و دیگر دشمنان ویتنام نامیده است.

ارگان حزب کمونیست ویتنام نوشت که اقلیت کوچکی از شرکت کنندگان، مانند چین، انگلستان و امریکا تلاش کردند که ویتنام را بی‌اعتبار و بدنام کنند، اما برعکس خود بدنام و رسوا شدند. از سوی دیگر روزنامه «پراودا» نوشت که نتایج کنفرانس ژنو شکست ارتجاع و محاسبات خودخواهانه یکن بوده است. پراودا نوشت که نیروهای ارتجاعی میخواهند افکار عمومی جهان، جنایات عده‌ای را که امپریالیسم در هند و چین مرتکب شده بود، فراموش کند. همچنین یکن مایل بود که ماجراجوئی مسلحانه رهبران چین علیه ویتنام و قتل عام مردم کامپوچیا بوسیله رژیم دست‌نشانده پول پوت-ینک-ساری فراموش شود و ویتنام بی‌اعتبار گردد. پراودا اضافه کرد که امسا استراتژیست‌های امپریالیسم و یکن و دستگاه تبلیغاتی آنها با شکستی بزرگ در ژنو روبرو شدند.

رهبران مترقی مذهبی از حکومت دمکراتیک افغانستان حمایت میکنند

به گزارش تاس، مردم افغانستان در دفاع از دستاوردهای انقلاب خود روز بروز مصمم‌تر میشوند. مردم از گامهای رهبری کشور برای بهبود زندگی زحمتکشان قویاً حمایت میکنند. چند روز پیش رهبران مذهبی در ایالت کشور، ضمن دیدار با نورمحمد تره‌کی، از اقدام‌های دولت حمایت کردند. رهبران مترقی مذهبی پایبانی یافتن بهره‌کشی انسان از انسان و بخشودگی بدهی‌های سنگین دهقانان و برنامه اصلاحات ارضی را مورد حمایت قرار دادند.

بحران نژادی وین بست سرمایه‌داری

به گزارش خبرگزاری فرانسه، مناطق جنوبی ایالات متحده با تشنج‌های نژادی فزاینده روبرو است. در ایالت‌های آلاباما و میسیسیپی و چند منطقه دیگر، برخورد میان سیاهان و سفیدپوستان افزایش یافته است. رهبران ارتجاعی سفیدمیکوینده که سیاهان در سالهای اخیر قدرت زیادی بدست آورده‌اند، خبرگزاری فرانسه در یک قسمت از گزارش خود به مطلب افشاکننده‌ای اشاره میکنند و آن اینکه، افزایش تشنج نژادی در امریکا معلول همکاری تورم و بطور کلی زائید، بحران شدید در نظام سرمایه‌داری امریکا است.

به گزارش رویتر، وزیر کشور حکومت انقلابی نیکاراگوئه، به سرپرندگان سوموزا، دیکتاتور مخلوع اخطار کرده است که در صورتی که به اقدامات ضدانقلابی پایان ندهند، تیرباران خواهند شد. حکومت بازسازی ملی، که اکنون شناسائی بسیاری از کشورهای جهان را بدست آورده است، طی فرمانی تمام نیروهای ملی و دموکراتیک را برای بازسازی کشور بسیج کرده است. دولت نیکاراگوئه برنامه ملی کردن بانکها و موسسات وابسته به امپریالیسم و بطور کلی قطع کامل نفوذ امپریالیسم را در درجه اول قرارداد کرده است.

دولت نیکاراگوئه اعلام کرده است که در کنفرانس کشورهای غیرمتعهد در هاوانا شرکت و در سیاست خارجی، از سیاست عدم تعهد فعال پیروی خواهد کرد و روابط با کشورهای سوسیالیستی را گسترش خواهد داد. دولت نیکاراگوئه از امریکا خواسته است که سوموزا را به این کشور بازگرداند.

خبرگزاری تاس اعلام کرد پاستی که امریکا به تقاضای دولت انقلابی نیکاراگوئه میدهد، نشان خواهد داد که آیا امریکا آماده قطع حمایت از دیکتاتوری‌های امریکایی لاتین است یا نه؟

تجاوز اسرائیل با پشتیبانی امریکا ادامه دارد

به گزارش خبرگزاری‌ها، وزارت جنگ امریکا (پنتاگون) تصمیم گرفته است که یک میلیارد و سیصد میلیون دلار سازو برگ مدرن در اختیار مصر و اسرائیل قرار دهد. به‌اعتراف مقام‌های امریکائی فروش این سلاحها به مصر و اسرائیل با توافق‌های کمپ دیوید و همکاری نزدیک مصر و اسرائیل بعنوان زاندارم امریکا در منطقه ارتباط دارد. در ارتباط با همین نقش است که به گزارش رویتر «شیمون پرز»، رهبر حزب کارگران اسرائیل، در مصر مذاکراتی با «سادات» انجام داده است.

از سوی دیگر تحریرات اسرائیل در جنوب لبنان همچنان ادامه دارد و هوایما‌های اسرائیلی چند بار اردوگاه‌های فلسطینی‌ها را بمباران کرده‌اند. بنا به گفته منابع فلسطینی، در سؤقتد بیجان زهیر محسن، رهبر سازمان‌الصاعقه، نیز عوامل اسرائیلی شرکت داشته‌اند.

سود بادآورده انحصارهای نفتی

شرکت نفت «اکسون» اعلام کرده است که در شش ماه اول سال جاری یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار سود خالص داشته است. این شرکت اعتراف کرده است که این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایشی حدود سی درصد نشان میدهد. سایر شرکت‌های نفتی بزرگ امریکا نیز کم‌وبیش سودهای بسیار زیادی به جیب زده‌اند. بدین ترتیب ماهیت واقعی غوغای غرب درباره افزایش بهای نفت بهتر آشکار میشود.

تحریرات تازه پکن در مرز ویتنام

چین همچنان به حادته‌آفرینی در مرز ویتنام ادامه می‌دهد. دولت ویتنام اعلام کرده که در حملات تازه چین به ویتنام، عده زیادی غیرنظامی مجروح شده‌اند. چین همچنین لشکرهای تازه‌ای در مرز مستقر کرده است و رهبران پکن ظاهراً می‌خواهند با دست آویزهای بی‌اساس باردیگر به خاک ویتنام یورش ببرند. نیروهای چینی از اوایل سال جاری مسیخی به خاک ویتنام سرازیر شدند، اما با مقاومت دلیرانه مردم ویتنام روبرو گردیدند و ناچار، در حالیکه تلفات سنگینی متحمل شده بودند، از خاک ویتنام عقب‌نشینی کردند.

تیم فوتبال اتحاد شوروی اولین مهمان خارجی ایران پس از انقلاب

هفته پیش تیم فوتبال زیر ۲۳ سال اتحاد شوروی به ایران آمد. این تیم، در دو مسابقه دوستانه تا تیم‌های ایرانی شرکت کرد و ایران را ترک گفت. بعد از پیروزی انقلاب ایران، تیم زیر ۲۳ ساله فوتبال لیست‌های شوروی، اولین تیم خارجی بود که بعنوان مهمان به ایران آمد حضور این تیم در ایران، آنهم بعنوان اولین تیم مهمان در ایران رها شده از استبداد سلطنتی، نشانه روابط دوستانه بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی است. دو همسایه باین ترتیب نشان دادند که راه برای همکاری‌های ورزشی بین دو کشور گشوده است. بر این زمینه دوستی، اوامه همکاری‌های ورزشی و همچنین گسترش روابط فرهنگی میتواند هم‌دوستی را بین دو همسایه، که در مرزهای طولانی در جوار هم زندگی میکنند، استحکام بیشتر بخشد و هم این فرصت را فراهم بیاورد که تجربیات ورزشی و فرهنگی دو کشور ماده‌ای شود در دوطرف را به‌روز سازد.

شیوه زندگی یک انقلابی چگونه است؟

یک انقلابی «ابرمرد» نیست، انسانی است عادی، ولی با عزم خدمت ب مردم تا حد ایثار هستی خویش

در ایران، چپ‌گراها مسئله شیوه زندگی یک انقلابی را از زمان رژیم گذشته مطرح کرده‌اند. خصمه این شیوه قبول نوعی ریاضت‌کشی و فقر نمائی است، بمثابه واکنش در قبال عشرت پرستی و تجمل‌دوستی طبقات حاکمه. کارگاه بجاهای باریک میرسد، انقلابی نباید ازدواج کند. انقلابی نباید لباس خوب و تمیز بپوشد. انقلابی نباید بخندد و مهربان و مؤدب باشد. واگ انقلابی زن باشد، باید خود را مانند راهبه‌های از دنیا بر گشته راه ببرد.

روشن است که در کشور ما، بطور عمده خانواده‌های محروم زندگی میکنند. یک انقلابی که میخواهد با مردم باشد و با آنها بجوشد، سویدمند است که از جهت شیوه معیشت نیز طوری رفتار کند که زنده نباشد. سادگی، بسی‌پس‌پس‌پس، رفتار صادقانه و عاری از سالوس، احتراز از اکید از عشرت پرستی و تجمل‌دوستی، مسلماً از صفات لازم معیشت روزمره یک انقلابی است.

ولی آراستگی باین صفات، نه بقصد سالوس و عوام فریبی، بلکه بشکل داوطلبانه و صمیمی و بسااقت مردم‌دوستی، نفی نمیکند که یک انقلابی مانند همه مردم زندگی را دوست بدارد، زیبایی و عشق و مهر و محبت و پاکیزگی را دوست بدارد، در حد امکانات خود، امکاناتی که خالی از آرایشهای اخلاقی باشد، زندگی کند و اگر قادر باشد، خوب زندگی کند.

ما تعبیر برابر طلبانه دهقانی از سوسیالیسم و تعبیر مرتاضانه از شیوه زندگی انقلابی را از بیخ و بن رد میکنیم. این انحراف، که در مائوئیسم و نسخه بدل کامپوچی آن (شیوه اداره پل‌ت) تجلی کرد، سوسیالیسم را مبتذل و مضحک میکند و آنرا از تئوری جووامع مدرن صنعتی، به تئوری قشرهای عقب مانده خرده بورژوازی و حتی لومپنی مبدل میسازد.

آنهایی که میخواهند کمونیسم را بیک «کلیسای» جدید، با معشقی خرافات و آداب و رسومش بدل کنند، دانسته یا ندانسته به اعتبار این تئوری علمی و انسانی زبان جدی مینهند.

مارکس و انگلس و لنین هرگز بچنین شیوه‌هایی دست نمی‌زدند و با آنکه نبوغ و قهرمانی آنها «ظاهر من-الشمس» است، هرگز خود را «ابر مرد»‌هایی از نوع «راخاتف» (در زمان «چه باید کرد» چرنشفسکی) حساب نمیکردند. انسانهای عادی، فروتن، ساده و دوست‌داشتنی بودند که مانند همه انسانها خشمگین میشدند، اشتباه میکردند، عشق میورزیدند، از ته دل میخندیدند، شدیداً متأثر میشدند. مارکس میگوید، زیباترین مثالی را که دوست میدارم اینست:

«انسانم و هیچ چیز انسانی از من بیگانه نیست.»

بنا به مثل ایرانی، «تعارف کم‌نرو و بر مبلغ افزای»، اساس داشتن خصلت و آگاهی انقلابی و انطباق کردار و گفتار است. مسئله جامعه و نشست و برخاست را بحال خود بگذاریم. بگفته سعدی،

«حاجت» بکلاه چیری داشتنت نیست

درویش صفت باش و کلاه تتری دارا»

انقلابی بودن را به معنی ژست و ادا و اطوار بدل کردن، تدلیل و خوارسازی مغرط مفهوم این واژه بزرگ است. «ژست» انقلابی گرفتن آسان، ولی صفت انقلابی داشتن دشوار است. آسان را بگذاریم و دشوار را برداریم.

دشوار است گذشت از جان و سود، دشوار است تحمل نارواییهای گوناگون نبرد انقلابی، دشوار است قضاوت خالی از ذهن‌گرایی، دشوار است دوام آوردن در خطه نبرد، دشوار است فداکاری همه‌جانبه بخاطر رفیق، دشوار است مغرور نشدن، دشوار است خود را نباختن و بهنگام ادب‌آوردن نوشت، خون سرد و مقاوم ماندن و بهنگام یویه ظفر نمون برفروتنی و مردم‌دوستی خود افزودن، دشوار است تحمل شکنجه، دشوار است گذشت از زندگی... ولی این دشوارها را نباید فرا گرفت!

حالا برخی‌ها کار دشوار را میگذازند، دنبال «ژست» میروند و چیزی هم طلبکار میشوند!

در مجلس خبرگان

نامزدهای حزب توده ایران چه کسانی هستند و از چه بر نامه‌ای دفاع میکنند؟

به رفقای «چریک شهری» که شجاعانه به حزب توده ایران پیوستند، با درود!

نغمه امید

رفقای رهپو
کامهاشان موزون
تا که خورشید بهر آید و
از ممبرگلهای شهادت
لرزه بر پیکر تب کرده شب اندازد
- بستوه آورد این دیو سیاه -

رفقای رهپو
همه «در مسلخ عشق»
چنگ در قله تاریخ زده
نامشان نغمه گویای امید!

چشمشان پر ز نوید
رفقای رهپو
سالهای بسیار
پای پر آبله از رنج عبث
- در بیابان همه مفتون سراب -
... بازگشتند ...

به خورشید سلام آوردند!

رفقای رهپو
«جان سلامت باشید!»
«ره مبارک باشید!»
- تازه رو کرده به شط خورشید،
هم از این چشمه جوشیده و پاک
شهد بهروزی ایران نوشید!

رفقای رهپو
لاله تافته تن تافته لب
رو بسوی همه همسفران
میکشایند لبان را از لب
درصداشان
عطر باغ «خسرو»
«رفقای عاشقا»

راه را گم نکنیم!
«گر شهابی دیدیم»
«دامن شب نشکافت»
«نشکافت، اما»
«راه را گم نکنیم!»

«راه را گم نکنیم»
«میکشاند سوی صبح روشن»
«دراغی میبینی»
«بامدادان می آید»
«از برای من و تو»
«میهمان می آید»
«چشمها بگشایم»
«پای در راه نهیم»
«پیشوازش برویم»
«گر شهابی دیدیم»
«دامن شب نشکافت»
«نشکافت، نشکافت»
«راه را گم نکنیم!»

م. سپهری
۲۳ بهمن ۱۳۵۷

عناصر ضد انقلاب، فروشندهگان نشریات حزبی را دستگیر کردند

عناصر ضد انقلابی، که در کمیته طاق بوستان کرمانشاه نفوذ کرده اند، ۳ نفر از دختران هوادار حزب توده ایران را، ساعت ۹ شب، در جاده بعد از ظهر بیست و نهم تهرماه، در کوچه ثبت قهرمانان (کرمانشاه سابق) هنگامیکه سرگرم فروختن «مردم» بودند، دستگیر کردند.

فروشندهگان نشریات حزب ما به این عمل اعتراض کردند و اعلام داشتند که مطابق قانون جمهوری اسلامی، فعالیت علنی حزب توده ایران و همچنین فروش نشریات آن آزاد است.

به دنبال این اعتراض، چند نفر برای بازپرسی آمدند و بعد از خواندن نشریات حزبی، رفقای ما را در ساعت ۹ شب، در جاده خارج شهر، آزاد کردند. باینحال، افرادی که در دستگیری رفقای ما شرکت داشتند، با یک اتومبیل (سابق) هنگامیکه سرگرم فروختن «مردم» بودند، دستگیر کردند.

تکامل جامعه ایران هموار سازند. برای رسیدن به این هدف، تکمیل پیش نویس قانون اساسی با اصلاحات زیرین ضروری است.

● **تصریح نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران**
این نظام، بطوریکه در پیشنهاد اصلاحی حزب توده ایران آمده است، از لحاظ اقتصادی یادقیق تر از نظر چگونگی و شکل مالکیت، بر سه ستون یا سه پایه باید استوار باشد،
۱- مالکیت دولتی یا مالکیت عموم خلق، که بر پایه آن بخش دولتی بوجود می آید.
۲- مالکیت تعاونی یا مالکیت گروهی، که بر پایه آن بخش تعاونی ایجاد میگردد.
۳- مالکیت خصوصی یا مالکیت فردی، که بر پایه آن بخش خصوصی تشکیل میشود.

● **تصریح اصول سیاست خارجی**
این اصول برای مبارزه دائمی با امپریالیسم و حفظ استقلال کشور باین صورت پیشنهاد میشود: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه عدم تمهید، عدم شرکت در بلوک بندیهای نظامی، بر اساس حفظ صلح و امنیت بین المللی، عدم تجاوز به خاک کشورهای دیگر، حسن همجواری با همسایگان، همزیستی مسالمت آمیز و تحکیم و تقویت همکاریهای بین المللی و گسترش مناسبات دوستانه میان دولتها بر مبنای برابری کامل و منافع متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر قرار میگیرد. همبستگی و پشتیبانی از حقوق ملتها و خلقهایی که علیه استعمار، نواستعمار، امپریالیسم، صهیونیسم و فاشیسم و تبعیض نژادی برخاسته اند، در زمره اصول مسلم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به شمار میرود.»

● **تأمین حاکمیت خلق از طریق مجلس شورایی ملی و شوراهای محلی و حقوق اداری و فرهنگی ملی در واحدهای ملی.**

با تشکیل شوراهای محلی منتخب مردم و شناسایی حقوق اداری و فرهنگی واحدهای ملی، میتوان هم توطئه های امپریالیسم و سرسپردگان داخلی آنرا عقیم گذارد و هم اتحاد آگاهانه و دوطرفه خلیفها را پی ریزی کرد و بدینسان نیروی خلاقه عظیم مردم سراسر کشور را در راه جهاد برای سازندگی در جامعه نوین بکار گرفت.

● **تصریح برابری کامل زن و مرد در قانون اساسی**
زنان باید در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور امکان مشارکت فعال یابند، تمام قوانین بازنهاده ملتی اعلام شوند، شرایط لازم برای یافتن زنان به تمام درجات اداری و شغلی فراهم شود، در حیات اقتصادی اثری از تبعیض نسبت به زنان باقی نماند، اقدامات ضرور در زمینه هماهنگ ساختن وظایف خانگی و اجتماعی زن بعمل آید، بتوان همسر از حقوق برابر با مرد برخوردار باشند و در یک کلام، کلیه تبعیضها از میان برداشته شوند، تمام مرزهای ممنوعه شسته گردند و زمینه لازم برای شکوفایی قریحه زن ایرانی فراهم شود.

● **تأمین حق کار و حق تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده**
هریک از افراد کشور حق کار کردن دارند و این حق باید بوسیله دولت تأمین گردد. تشکیل اتحادیه های صنفی و حرفه ای چه در سطح کارآگاهی و چه در مقیاس سراسری کشور، حق مسلم کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده است. چگونگی شرکت واقعی اتحادیه ها در کلیه اموری، که مربوط به فعالیت تولیدی و شرائط کار و زندگی زحمتکشان است، بوسیله قانون ویژه ای تأمین شود.

● **تأمین حق آموزش برای همه افراد کشور**
همه افراد کشور حق آموختن دارند، آموزش مجانی است و در حدودی که قانون معین میکند، اجباری است. جمهوری اسلامی ایران حق آموزش برابر را برای همگان تأمین میکند و امکان دسترسی همه را به آموزش و پرورش، آموزش حرفه ای و فرهنگ سازمان میدهد.

● **تأمین مسکن مناسب برای همه افراد کشور**
داشتن یک مسکن مناسب برای زندگی، حق طبیعی افراد کشور است. دولت وظیفه دارد که برای تحقق این امر تدابیر مقتضی اتخاذ نماید، و بر اساس اولویت زحمتکشان روستائی و شهری، تدریجاً طبق نقشه سنجیده ای، برخوردارای همه افراد را از این حق فراهم سازد.

● **پایان دادن به شکنجه جسمی و روانی انسانها**
هرگونه شکنجه و تنبیه بدنی و روانی نسبت به اشخاص، چه بدستور مقامات دولتی و قضائی باشد و چه خودسرانه از جانب مأموران دولتی اعمال گردد، شدیداً مستحق تعقیب و مجازات است. با چنین برنامه و چنین نامزدهائی است که حزب توده ایران در انتخابات مجلس خبرگان شرکت میکند.

۱۶ توده ای، ۱۶ کارگر و روشنفکر، که از خلق برخاسته اند و با خلق زیسته اند، ۱۶ آزاده، که از زندان و شکنجه و تبعید گذشته اند و به آرمان خود، به آرمان حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که تلاش در راه پیروزی توده ها است، پای فشرده اند، نامزد شرکت در مجلس خبرگان شده اند.

اینان که در زندگی خود، با پایمردی و دلآوری نشان داده اند که استوارترین پیوندگان راه رنجبر اند، اینان که سرفرازشکنجه گاههای شاه مخلوع را فتح کرده اند و در سیاهترین ادوار تاریخی ایران، پرچم نبرد برای رهایی طبقه کارگر را برافراشته اند و سرود فتح و امید خوانده اند، اکنون که خلق قهرمان ما به پای صندوقها میروند، تا نمایندگان خود را به مجلس خبرگان بفرستند، در کارزار انتخاباتی شرکت کرده اند، پشتوانه رفقای ما، که نامزد شرکت در انتخابات مجلس بررسی نهائی پیش نویس قانون اساسی هستند، زندگی سراسر نبرد و افتخار آنهاست.

افسران توده ای، مبارزانی که هر یک ۲۵ سال در زندانهای شاه مخلوع زیسته اند، جزء نامزدهای حزب ما هستند. تاریخ مبارزه سیاسی در ایران، از کودتای ۲۸ مرداد باینسوی، با نامهای محمد علی عمولوی، رضاشلتو کی، عباس حجری بجستانی، ابوتراب باقرزاده، تقی کی مش و اسماعیل ذوالقدر پیوند ناگسستی دارد. این افسران ۲۵ سال تمام در زندانهای وحشتناک شاه مخلوع با دژخیمان رزمیدند و بر آرمان خود پستی فشردند، از این افسران که هر یک به تنهایی مظهر مقاومت خلق در برابر سران دادن خون آشام آریامهری بودند، ۴ تن: عمولوی، شلتو کی، حجری، باقرزاده برای شرکت در مجلس خبرگان نامزد شده اند. همراه اینان رفیق علی خاوری خراسانی، این فرزند پرورمند خلق، که در سیاهترین ادوار تاریخ ایران، در ستیز خویش دژخیمان شاه خائن را بزانو در آورد، آماده است تا به مجلسی برود که در آنجا نمایندگان خلق میخواهند قانون اساسی خود را بنویسند.

چهره درخشان دیگری، در کنار این دلوران، نامزد شرکت در مجلس خبرگان شده است. او رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران است. اکنون که رفیق کیانوری آماده شرکت در کارزار انتخاباتی است، ۴۴ سال فعالیت سیاسی آکنده از زندان و مهاجرت را پشت سر گذاشته است. او، تجربیات مبارزه طبقه کارگر ایران را، از آن روز که گروه اداری تشکیل شد، تا به امروز همراه دارد.

نامزد دیگر حزب توده ایران، رفیق احسان طبری است. چهره ای یگانه، که در متن مبارزه ۴۴ ساله خود علیه رضاخان و پسرش، در جریان نبرد بی امان با امپریالیسم خونخوار، عرصه های وسیعی از دانش و هنر بشری را فتح کرده است. رفیق طبری از سوئی از سرسخت ترین مبارزان راه آزادی و استقلال ایران است و از سوی دیگر دانشمندی است که در زمینه های جامعه شناسی، فلسفه، تاریخ، نقدهای ادبی، هنری، تحقیقات سیاسی و... از برجسته ترین چهره های معاصر ایران است. بعلاوه رفیق طبری از درخشانترین ادباء، شاعران و پژوهشگران و از با سابقه ترین روزنامه نگاران ایران به شمار میرود.

رفیق حسین جودت، دیگر نامزد حزب توده ایران برای مجلس خبرگان است. نام این رفیق مبارز زندان کشیده و تسلیم ناپذیر با فعالیت نزدیک به ۴۰ ساله سیاسی، سندیکائی و دانشگاہی پیوند دارد.

رفیق انوشیروان ابراهیمی، رزمنده ای که عمر خویش را وقف مبارزه کرده است. رفقای کارگر آصف رزمیده و صابر محمدزاده، دور رفیقی که پرورده مکتب طبقه کارگر و حزب این طبقه، حزب توده ایران هستند و صداقت و ایمان خود را برای به ثمر رسیدن آرمانهای طبقه خود در سالهای دراز شکنجه و زندان به اثبات رسانده اند.

رفیق مریم فیروز فرمانفرمایان زنی که از سال ۱۳۲۰ در نهضت آزادیخواهی ایران شرکت فعال و پرثمر داشته و بویژه در راه تشکل زنان رزمیده است.

رفیق علی لامعی، کارگری که در مکتب مبارزات سخت و دراز مدت پرورش یافته، رفیق غلامرضا روحانی شهرکی، کارگری که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف آزادی زحمتکشان کرده، رفیق حسین آذر، پزشکی که عمر خویش را صرف مبارزه در راه آرمان کارگران نموده و رفیق کارگر علی اکبر مایلزاده از سرزمین نفت و کار، چهره های درخشان دیگری هستند که از جانب حزب ما، نامزد شرکت در مجلس خبرگان شده اند.

اینان که به خلاصه، تنها قطره ای از دریای زندگی پرثمر آنها، نامشان را آورده ایم، پشتوانه سالهای دراز قهرمانی، مبارزه و ایمان به زحمتکشان، آماده شرکت در مجلس خبرگان هستند. نامزدهای حزب ما از چه برنامه ای دفاع خواهند کرد؟ بر یک کلام، آنها میخواهند دستاوردهای انقلاب ایران را توسط قانون اساسی تثبیت کنند و راه را برای پیروزی مراحل بعدی انقلاب ایران هموار سازند. نامزدهای حزب توده ایران برای تصویب آن قانون اساسی خواهند کوشید که بر زمینه دستاوردهای انقلاب، راه را برای رشد

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق